

مدینه فاضله در پرتو امر به معروف و نهی از منکر

علی اصغر رضوانی

بسم الله الرحمن الرحیم

مدینه فاضله در پرتو امر به معروف و نهی از منکر

نویسنده:

علی اصغر رضوانی

ناشر چاپی:

مسجد مقدس جمکران

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

مدینه فاضله در پرتو امر به معروف و نهی از منکر

مشخصات کتاب

سرشناسه : رضوانی علی اصغر، ۱۳۴۱

عنوان و نام پدیدآور : مدینه فاضله در پرتو امر به معروف و نهی از منکر/ علی اصغر رضوانی.

مشخصات نشر : قم: مسجد مقدس جمکران ۱۳۸۶.

مشخصات ظاهری : ۹۳ص.

شابک : ۵۰۰۰ ریال ۹۷۸-۹۶۴-۹۷۳-۰۹۴-۳ :

یادداشت : کتابنامه به صورت زیرنویس.

موضوع : امر به معروف و نهی از منکر

موضوع : امر به معروف و نهی و از منکر -- جنبه های قرآنی

موضوع : امر به معروف و نهی از منکر -- پرسش ها و پاسخ ها

رده بندی کنگره : BP۲۲۶/۴/ر۶م۴ ۱۳۸۶

رده بندی دیویی : ۲۹۷/۳۷۷۵

شماره کتابشناسی ملی : ۱۱۴۲۹۷۱

ص:۱

اشاره

سخن ناشر

در عصر انقلاب اسلامی و حاکمیت اسلام بر کشور جمهوری ایران و استقبال چشمگیر اقشار مختلف جهان به سوی اسلام ناب محمّدی صلی الله علیه وآله و الگوگیری از نظام مقدّس جمهوری اسلامی به عنوان الگویی راستین و سالم برای حکومت در جهان کنونی و با تأکید در کتاب اللَّه، قرآن کریم، سنت پیامبر اسلام صلی الله علیه وآله، اهل بیت علیهم السلام و اصل هشتم قانون اساسی(۱) که برگرفته از قرآن و سنت است و بر اجرای امر به معروف و نهی از منکر تأکید نموده است و تأیید حضرت امام خمینی رحمه الله، بنیانگذار جمهور اسلامی ایران و مقام معظم رهبری دامت برکاته و اعلی مقامه و مراجع شیعه، لذا کتاب مذکور را به زیور طبع آراستیم، از مؤلف محترم، استاد حاج علی اصغر رضوانی و عزیزانی که ما را در چاپ این اثر کمک و مساعدت نموده اند بویژه تولیت محترم مسجد مقدس جمکران، حضرت آیه اللَّه وافی کمال تشکر و امتنان را داریم. امید است مورد رضایت حضرت حق واقع گردد. ان شاء اللَّه.

حسین احمدی

۱- ۱. اصل هشتم در صفحه ۱۹ کتاب آمده است.

پیشگفتار

خداوند متعال پیامبر خود را برای هدایت و راهنمایی بشر و آزاد ساختن او از انواع انحراف های فکری و عملی، به سوی آنان فرستاد تا جامعه بشری را به مقام خلافت الهی رسانده و انسان ها را به کمال روحی، رشد عقلانی و ارتقای رفتاری برساند.

هدایت انسان به معنای تغییر محتوای عقلی، قلبی و عملی اوست تا با آیین الهی در زندگی او منسجم گشته و فکر، عاطفه و رفتار او مطابق با دستورهای خداوند گردد.

هنگامی که به طبیعت این تغییر و تحول نظر می شود امر آسانی نیست؛ زیرا با نفس بشریت سر و کار داشته و با محدودیت، ضعف، عجول بودن، شهوت های نفسانی، غرور و تکبر و دیگر صفات رذیله او مواجه است... و لذا اقدام به تغییر و تحول جامعه، با ابزار و وسایلی امکان پذیر است که با واقعیت های بشری تناسب داشته باشد. این

ص:۱۳

تغییر و تحول تنها از راه امر به معروف و نهی از منکر با شرایط خاص آن که از آن جمله؛ پشتکار در عمل، شروع از خود و اطلاع دقیق از حالات فکری، عاطفی و رفتاری انسان و شناخت موقعیت ها و ظرفیت های جامعه از ناحیه آمران به معروف و ناهیان از منکر می باشد امکان پذیر است تا بتواند آنان را به اهداف الهی و عقلایی خود برساند. و لذا امر به معروف و نهی از منکر از مهم ترین تکالیفی است که قیام به آن واجب است؛ زیرا فرایض الهی به واسطه آن برپا می شود و می تواند مردم را به سوی خدای متعال دعوت نماید.

از آنجا که مشاهده می شود این وظیفه مهم و حیاتی بر زمین مانده و به آن بی توجهی شده است؛ در حالی که سنگ زیربنا و اساسی تمام احکام الهی است لذا درصدد برآمدیم تا کتابی هرچند مختصر در این زمینه تألیف نموده و به جامعه عرضه نماییم و امیدواریم که منشأ تحولی در سطح عموم مردم باشد.

علی اصغر رضوانی

ص:۱۴

ضرورت توجه به امر به معروف و نهی از منکر

امر بـه معروف و نهی از منکر از جملـه مسائـل بسـیار مهمی اسـت کـه تـوجه ویژه ای را به آن می طلبـد و لـذا بزرگـان دین و مسؤولان مملکت تأکید فراوانی بر آن داشته اند؛

الف) بیانات امام خمینی رحمه الله

ایشان می فرماینـد: «کوشـش کنید که احکام اسـلام را هم عمل کنید و هم وادار کنید که دیگران عمل کنند؛ همان طوری که هر شـخص و هر فردی موظـف اسـت که خـودش را اصـلاح کنـد، موظـف است که دیگران را هم اصـلاح کنـد. اصـل امر به معروف و نهی از منکر برای همین است که جامعه را اصلاح کند».(۱)

ایشان همچنین می فرماید: «امر به معروف و نهی از منکر از اموری است که بر همه کس واجب است، یک چیزی نیست که بر یکی واجب

۱- ۲. صحیفه نور، ج ۹، ص ۲۸۵.

باشـد بر دیگری نه؛ همه مـا مکلفیم که همان طور که مکلفیم که خودمان را حفظ کنیم و خارج کنیم از ظلمت به نور، مکلف هستیم دیگران را همین طور دعوت کنیم؛ هر مقداری که می توانیم؛ شما نباید بگویید که خوب، من که خطیب نیستم، من که اهل منبر نیستم، من که اهل محراب نیستم، شما اهل این هستید که در خانواده تان با آن پسرتان و دخترتان و با اولیایتان، با آن کسـی که رفیق شـما هست، می توانیـد حرف را بزنیـد؛ همین مقـدار شـما مکلفیـد. اگر انسان دیـد معصـیت خدا می شود باید جلویش را بگیرد، نگذارد معصیت خدا بشود».(۱)

در جای دیگر می فرماید: «ما همه امروز وظیفه داریم؛ امر به معروف و نهی از منکر بر همه مسلمین واجب است، جلوگیری از منکرات بر همـه مسلمین واجب اسـت، سـفارش بـه حق کـه امر به معروف است و نهی از منکر است بر همه مسـلمین واجب است».(۲)

و می فرماید: «باید ایران یک مملکت اسلامی و همه چیزش اسلامی باشد. اگر کسی در احوال شخصی اش مرتکب معصیت و فسـاد هـم بشـود و بر فرض اثبـات هم، روی مـوازین شـرعی بایـد امر به معروف و نهی از منکر نمـود. نبایـد کسـی از این معنا سوءاستفاده کند و در خیابان ها کار خلاف شرع انجام دهد».(۳)

۱- ۳. صحیفه نور، ج ۱۱، ص ۸۴.

۲- ۴. همان، ج ۱۳، ص ۲۴۵.

۳- ۵. صحیفه نور، ج ۱۷، ص ۱۶۷.

ب) بیانات مقام معظم رهبری

ایشان خطاب به افراد شورای امر به معروف و نهی از منکر فرمودنـد: «همه بایـد امر به معروف و نهی از منکر کنند... مسأله امر به معروف و نهی از منکر مثل نماز یادگرفتنی است و شـما باید بروید و مسائل آن را یاد بگیرید، در هر مورد، اینکه در کجا و چگونه باید امر به معروف و نهی از منکر کرد مسائلی وجود دارد.

در جامعه اسـلامی در تکلیف عامه مردم امر به معروف و نهی از منکر با لسان است، امّا اگر کار به برخورد بکشـد آن دیگر به عهده مسئولین است.

چیزی که جامعه را اصلاح می کند همین نهی از منکر زبانی است؛ اگر مردم به آدم بدکار، خلاف کار، کسی که اشاعه فحشا می کنـد، می خواهد قبح گناه را از جامعه ببرد، بگویند و ده یا صد یا هزار نفر و به طور کلّی افکار عمومی جامعه روی وجود و ذهن او سـنگینی کنـد، این برای او شـکننده ترین چیزهـاست. راه مقـابله با انحراف های قـدرت های اسـتکباری، پایبنـدی به اصول، اجرای امر به معروف و نهی از منکر و حرکت های حزب اللهی است».(۱)

ج) بیانات شهید مطهری

شهید مطهری رحمه الله درباره امر به معروف و نهی از منکر می فرماید:

۱- ۶. گزیده ای از سخنان مقام معظم رهبری، سال ۱۳۸۰.

«لازم است بحث بیشتری درباره خود این اصل بکنیم. اساساً مورد احتیاج ماست که این اصل را بشناسیم، اصلی که پیغمبر اسلام صلی الله علیه وآله اینچنین بر آن تکیه می کند؛ اصلی که اگر تنها به قرآن مراجعه کنیم... متوجه می شویم که این موضوع در این کتاب مقدس آسمانی چقدر تکرار شده است و چه اندازه بدبختی ملل گذشته را مستند می کند به اینکه امر به معروف و نهی از منکر نداشته اند: «فَلَوْلَا کانَ مِنَ الْقُرُونِ مِن قَبْلِکُمْ أُولُوا بَقِیَّةٍ یَنْهَوْنَ عَنِ الْفَسادِ...»؛(۱) «چرا در قرون [و اقوام قبل از شما، دانشمندان صاحب قدرتی نبودند که از فساد جلوگیری کنند؟!».

درباره قوم دیگر می فرماید: «کانُوا لَا یَتَناهَوْنَ عَن مُّنکَرٍ فَعَلُوهُ لَبِئْسَ ما کانُوا یَفْعَلُونَ»؛(۲) «آنها از اعمال زشتی که انجام می دادند، یکدیگر را نهی نمی کردند؛ چه بدکاری انجام می دادند».

اینها بدبخت و بیچاره شدند، به هلاکت رسیدند، از میان رفتند؛ چرا؟ چون نهی از منکر نمی کردند، با فساد مبارزه نمی کردند و بسیار بد می کردند».(۳)

ایشان همچنین می فرماید: «امر به معروف و نهی از منکر یگانه اصلی است که ضامن بقای اسلام است؛ به اصطلاح، علت مبقیه است. اصلاً اگر این اصل نباشد اسلامی نیست...»؛ حسین بن علی علیه السلام در راه امر

۱- ۷. سوره هود، آیه ۱۱۶.

۲- ۸. سوره مائده، آیه ۷۹.

۳- ۹. حماسه حسینی، ص ۲۱۷.

به معروف و نهی از منکر، یعنی در راه اساسی ترین اصلی که ضامن بقای اجتماع اسلامی است کشته شد؛ در راه آن اصلی که اگر نباشد دنبالش متلاشی شدن است، دنبالش تفرّق است، دنبالش تفکّک و از میان رفتن و گندیدن پیکر اجتماع است، بله، این اصل این مقدار ارزش دارد...».(۱)

و نیز می فرمایند: «این قرآن است که در موضوع آزادی انسان و مسؤولیت و تعهد شخصی او و در برابر خود و تکلیفش فریاد می زند: «إِنّا هَدَیْناهُ السَّبِیلَ إِمّا شاکِراً وَإِمّا کَفُوراً»،(۲) «وَهَدَیْناهُ النَّجْدَیْنِ»،(۳) «وَمَنْ أَرَادَ الاخِرَهَ وَسَعَی لَها سَعْیَها وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَأُولَئِکَ کانَ سَعْیُهُم مَّشْکُوراً».(۴)...».(۵)

د) قانون اساسی، اصل هشتم

در قانون اساسی جمهوری اسلامی آمده است: «در جمهوری اسلامی دعوت به خیر، امر به معروف و نهی از منکر وظیفه ای است همگانی و متقابل بر عهده مردم نسبت به یکدیگر، دولت نسبت به مردم و مردم نسبت به دولت...».

۱- ۱۰. همان، ص ۲۳۵.

۲- ۱۱. سوره انسان، آیه ۳.

۳- ۱۲. سوره بلد، آیه ۱۰.

۴- ۱۳. سوره اسراء، آیه ۱۹.

۵- ۱۴. حماسه حسینی، ص ۲۲۱.

معنای لغوی معروف و منکر

ابن منظور در تعریف «معروف» می نویسد: «المعروف ما یستحسن من الأفعال وکل ما تعرفه النفس من الخیر و تطمئنّ الیه»؛(۱) «معروف هر کار دارای حسن است و هر کاری از خیر که نفس، آن را شناخته و به آن اطمینان دارد».

او همچنین در تعریف «منکر» می نویسد: «والمنکر: کل ما قبّحه الشرع وحرّمه وکرّهه»؛(۲) «و منکر هر عملی است که شارع آن را قبیح دانسته و حرام کرده و مکروه دانسته است».

راغب اصفهانی می نویسد: «المعروف هو اسم لکلّ فعل یُعرف بالعقل او الشرع حسنه والمنکر: ماینکر بهما»؛(۳) «معروف اسم است برای هر کاری که با عقل یا شرع، حسن آن شناخته می شود. و منکر عملی است که به عقل یا شرع قبح آن معلوم می گردد».

طبرسی می نویسد: «انّ المعروف الطاعه والمنکر المعصیه، وکلّ ما امر اللّه ورسوله به فهو معروف وما نهی اللّه ورسوله عنه فهو منکر»؛(۴) «همانا معروف به معنای طاعت و منکر به معنای معصیت است و هر آنچه که خدا و رسولش به آن امر کرده اند، معروف و آنچه را خدا و رسولش از آن نهی کرده اند، منکر است».

۱- ۱۵. لسان العرب، ج ۹، ص ۲۳۹.
۲- ۱۶. همان، ج ۵، ص ۲۳۳.
۳- ۱۷. مفردات الفاظ القرآن، ص ۳۳۱.
۴- ۱۸. مجمع البیان، ج ۱، ص ۴۸۳.

معنای اصطلاحی معروف و منکر

صاحب شرایع می فرماید: «المعروف هو کل فعل حسن اختص بوصف زائد علی حسنه اذا عرف فاعله ذلک او دلّ علیه والمنکر کلّ فعل قبیح عرف فاعله قبحه او دلّ علیه»؛(۱) «معروف هر کار نیکی است که دارای صفتی زائد بر حُسن باشد؛ در صورتی که انجام دهنده، حسن آن را شناخته یا بر آن راهنمایی شود. و منکر هر کار قبیحی است که انجام دهنده، قبح آن را شناخته یا بر آن راهنمایی شود».

قید (بوصف زائد علی حسنه) که در متن حدیث آمده، به جهت خارج کردن مباح است که در آن چیزی زاید بر حُسن نیست و لذا «معروف» تنها شامل مستحب و واجب می شود.

ص:۲۱

۱- ۱۹. جواهر الکلام، ج ۲۱، ص ۳۵۶.

اقسام امر به معروف و نهی از منکر

امر به معروف و نهی از منکر بر دو قسم است:

۱ – امر به معروف واجب و نهی از منکر حرام؛

امر به معروف واجب مثل نماز و نهی از منکر حرام مثل گناه، واجب کفایی است و بر همه مکلفان واجب می باشد ولی با امر و نهی برخی، این تکلیف واجب از عهده دیگران ساقط می گردد.

۲ – امر به معروف مستحب و نهی از منکر مکروه؛

امر به معروف مستحب مثل نماز شب و نهی از منکر مکروه مثل خواب بین الطلوعین، مستحب کفایی است که با امر و نهی برخی از عهده دیگران این تکلیف استحبابی ساقط می شود.

امام خمینی رحمه الله می فرماید: «هر یک از امر و نهی در اینجا به واجب و مستحب تقسیم می شود، پس هر آنچه از نظر عقل یا شرع واجب است، امر به آن واجب و هر چه از نظر عقل قبیح یا در شرع حرام است نهی از آن واجب است، و آنچه مستحب است امر به آن نیز مستحب، و آنچه مکروه است نهی از آن مستحب است».(۱)

۱- ۲۰. تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۴۲۵.

تأکید قرآن بر امر به معروف و نهی از منکر

۱ - خداونـد متعـال می فرمایـد: «وَلْتَکُن مِنکُمْ أُمَّهٌ یَدْعُونَ إِلَی الْخَیْرِ وَیَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَیَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْکَرِ وَأُولئِکَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ»؛(۱) «باید از میان شما، جمعی دعوت به نیکی، و امر به معروف و نهی از منکر کنند! و آنها همان رستگارانند».

۲ - و می فرمایـد: «کُنتُمْ خَیْرَ أُمَّهٍ أُخْرِجَتْ لِلنّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنکَرِ وَتُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ»؛(۲) «شـما بهترین امتی بودید که به سود انسانها آفریده شده اند؛ (چه اینکه) امر به معروف و نهی از منکر می کنید و به خدا ایمان دارید».

۳ - و می فرمایـد: «لَیْسُوا سَوَآءً مِنْ أَهْلِ الْکِتابِ أُمَّهٌ قَآئِمَهٌ یَتْلُونَ آیاتِ اللَّهِ آنَآءَ الَّیْلِ وَهُمْ یَسْجُدُونَ * یُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْیَوْمِ الْأَخِرِ وَیَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَیَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنکَرِ وَیُسارِعُونَ فِی الْخَیْرَاتِ وَأُولئِکَ مِنَ الصّالِحِینَ»؛(۳) «آنها همه یکسان نیستند؛ از اهل کتـاب، جمعیّتی هسـتند که (به حق و ایمـان) قیام می کننـد؛ و پیوسـته در اوقات شب، آیات خـدا را می خواننـد؛ در حالی که سجـده می نماینـد. به خـدا و روز دیگر ایمـان می آورنـد؛ امر به معروف و نهی از منکر می کننـد؛ و در انجـام کارهای نیک، پیشی می گیرند؛ و آنها از صالحانند».

۱- ۲۱. سوره آل عمران، آیه ۱۰۴.

۲- ۲۲. سوره آل عمران، آیه ۱۱۰.

۳- ۲۳. سوره آل عمران، آیه ۱۱۳ و ۱۱۴.

۴ – و می فرمایـد: «وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنـاتُ بَعْضُـهُمْ أَوْلِيَـآءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنكَرِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَواهَ وَيُؤْتُونَ الزَّكـواهَ وَيُطِيعُـونَ اللَّهَ وَرَسُـولَهُ أُولَئِـكَ سَـيَرْحَمُهُمُ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيـمٌ»؛(۱) «مردان و زنــان باایمــان، ولیّ (و یـار و یـاور) یکدیگرنـد؛ امر بـه معروف، و نهی از منکر می کننـد؛ نمـاز را برپـا می دارنـد؛ و زکـات را می پردازنـد؛ و خـدا و رسـولش را اطاعت می کنند؛ بزودی خدا آنان را مورد رحمت خویش قرارمی دهد؛ خداوند توانا و حکیم است».

۵ – و می فرمایـد: «لَوْلَـا يَنْهاهُمُ الرَّبَّانِيُّونَ وَالْأَحْبارُ عَن قَوْلِهِمُ الْإِثْمَ وَأَكْلِهِمُ السُّحْتَ لَبِئْسَ ما كانُوا يَصْـنَعُونَ»؛(۲) «چرا دانشمندان نصـاری و علمـای یهود، آنها را از سـخنان گناه آمیز و خوردن مال حرام، نهی نمی کننـد؟! چه زشت است عملی که انجام می دادند».

۶ – و می فرمایند: «لُعِنَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ بَنِي إِسْرائِيلَ عَلَى لِسانِ دَاوُدَ وَعِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ ذَلِكَ بِما عَصَوا وَكانُوا يَعْتَدُونَ * كانُوا لَا يَتَناهَوْنَ عَنْ مُنكَرٍ فَعَلُوهُ لَبِئْسَ ما كانُوا يَفْعَلُونَ»؛(۳) «کافران بنی اسـرائیل، بر زبان داوود و عیسی بن مریم، لعن (و نفرین) شدند این به خـاطر آن بود که گنـاه کردنـد، و تجـاوز می نمودنـد. آنهـا از اعمـال زشتی که انجام می دادنـد، یکـدیگر را نهی نمی کردند؛ چه بدکاری انجام می دادند».

ص:۲۴

۱– ۲۴. سوره توبه، آیه ۷۱.

۲– ۲۵. سوره مائده، آیه ۶۳.

۳– ۲۶. سوره مائده، آیه ۷۸ و ۷۹.

۷ – و می فرماید: «یاأَیُّها الَّذِینَ آمَنُوا قُوا أَنفُسَکَمْ وَأَهْلِیکَمْ ناراً وَقُودُها النّاسُ وَالْحِجارَهُ...»؛(۱) «ای کسانی که ایمان آورده اید! خود و خانواده خویش را از آتشی که هیزم آن، انسان ها و سنگ هاست نگه دارید».

از امام صادق علیه السلام نقل شده که فرمود: «لمّا نزلت هذه الآیه... جلس رجل من المسلمین یبکی وقال: انا عجزت عن نفسی کلّفتُ أهلی، فقال رسول اللَّه صلی الله علیه وآله: حسبک ان تأمرهم بما تأمر به نفسک وتنهاهم عمّا تنهی عنه نفسک»؛(۲) «چون این آیه نازل شد... مردی از مسلمانان نشست و شروع به گریه کرد و گفت: من از هدایت خود عاجزم، حال تکلیف به هدایت اهل بیتم شده ام. رسول خداصلی الله علیه وآله فرمود: کافی است تو را که آنان را به آنچه به خودت امر می کنی دستور دهی و از آنچه خودت را دور می داری آنان را نیز نهی کنی».

۸ – و می فرماید: «الَّذِینَ إِنْ مَکَّنَّاهُمْ فِی الْأَرْضِ أَقامُوا الصَّلَواهَ وَآتَوُا الزَّکَواهَ وَأَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنکَرِ وَلِلَّهِ عاقِبَهُ الْأُمُورِ»؛(۳) «همان کسانی که هر گاه در زمین به آنها قدرت بخشیدیم، نماز را برپا می دارند و زکات می دهند و امر به معروف و نهی از منکر می کنند و پایان همه کارها از آن خداست».

۹ – و می فرماید: «یابُنَیَّ أَقِمِ الصَّلَواهَ وَأْمُرْ بِالْمَعْرُوفِ وَانْهَ عَنِ الْمُنکَرِ وَاصْبِرْ عَلَی ما أَصابَکَ إِنَّ ذلِکَ مِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ»؛(۴) «پسرم! نماز را بپا دار،

۱– ۲۷. سوره تحریم، آیه ۶.

۲– ۲۸. کافی، ج ۵، ص ۶۲.

۳– ۲۹. سوره حج، آیه ۴۱.

۴– ۳۰. سوره لقمان، آیه ۱۷.

و امر به معروف و نهی از منکر کن و در برابر مصائبی که به تو می رسد شکیبا باش که این از کارهای مهمّ است».

۱۰ - و می فرماید: «الَّذِینَ یَتَّبِعُونَ الرَّسُولَ النَّبِیَّ الْأُمِّیَّ الَّذِی یَجِدُونَهُ مَکْتُوباً عِندَهُمْ فِی التَّوْراهِ وَالْإِنجِیلِ یَأْمُرُهُم بِالْمَعْرُوفِ وَیَنْهاهُمْ عَنِ الْمُنکَرِ...»؛(۱) «همان ها که از فرستاده (خدا)، پیامبر «امّی» پیروی می کنند؛ پیامبری که صفاتش را، در تورات و انجیلی که نزدشان است، می یابند؛ آنها را به معروف دستور می دهد و از منکر باز می دارد».

۱۱ - و می فرماید: «إِنَّ اللَّهَ اشْتَری مِنَ الْمُؤْمِنِینَ أَنفُسَهُمْ وَأَمْوالَهُم بِأَنَّ لَهُمُ الْجَنَّهَ یُقاتِلُونَ فِی سَبِیلِ اللَّهِ فَیَقْتُلُونَ وَیُقْتَلُونَ وَعْداً عَلَیْهِ حَقّاً فِی التَّوْرَاهِ وَالْإِنجِیلِ وَالْقُرْآنِ وَمَنْ أَوْفی بِعَهْدِهِ مِنَ اللَّهِ فاسْتَبْشِرُوا بِبَیْعِکُمُ الَّذِی بایَعْتُم بِهِ وَذَلِکَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِیمُ * التائِبُونَ الْعابِدُونَ الْحامِدُونَ السَّائِحُونَ الراکِعُونَ الساجِدُونَ الآمِرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّاهُونَ عَنِ الْمُنکَرِ وَالْحافِظُونَ لِحُدُودِ اللَّهِ وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِینَ»؛(۲) «خداوند از مؤمنان، جان ها و اموال شان را خریداری کرده، که (در برابرش) بهشت برای آنان باشد؛ (به این گونه که:) در راه خدا پیکار می کنند، می کشند و کشته می شوند؛ این وعده حقّی است بر او، که در تورات و انجیل و قرآن ذکر فرموده است؛ و چه کسی از خدا به عهدش وفادارتر است؟! اکنون بشارت باد بر شما، به داد و ستدی که با خدا

۱- ۳۱. سوره اعراف، آیه ۱۵۷.

۲- ۳۲. سوره توبه، آیه ۱۱۱ و ۱۱۲.

کرده اید؛ و این است آن پیروزی بزرگ! توبه کنندگان، عبادت کاران، سپاسگویان، سیاحت کنندگان، رکوع کنندگان، سجده آوران، آمران به معروف، نهی کنندگان از منکر و حافظان حدود (و مرزهای) الهی، (مؤمنان حقیقی اند)؛ و بشارت ده به (اینچنین) مؤمنان».

۱۲ - و می فرماید: «إِنَّ اللَّهَ يَـأْمُرُ بِالْعَـدْلِ وَالْإِحْسانِ وَإِيتَآيِ ذِی الْقُرْبَی وَيَنْهی عَنِ الْفَحْشآءِ وَالْمُنكَرِ وَالْبَغْيِ يَعِظُكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ»؛(۱) «خداوند به عدل و احسان و بخشش به نزدیکان فرمان می دهد؛ و از فحشا و منکر و ستم، نهی می کند؛ خداوند به شما اندرز می دهد، شاید متذکّر شوید».

۱۳ - خداوند متعال بعد از پایان گرفتن مناظره و نهی از منکر حضرت ابراهیم علیه السلام با عمویش آذر می فرماید: «فَلَمّا اعْتَزَلَهُمْ وَما يَعْبُدُونَ مِن دُونِ اللَّهِ وَهَبْنا لَهُ إِسْحاقَ وَيَعْقُوبَ وَكُلًّا جَعَلْنا نَبِيّاً * وَوَهَبْنا لَهُم مِنْ رَحْمَتِنا...»؛(۲) «هنگامی که از آنان و آنچه غیر خدا می پرستیدند کناره گیری کرد، ما اسحاق و یعقوب را به او بخشیدیم؛ و هر یک را پیامبری (بزرگ) قرار دادیم! و از رحمت خود به آنان عطا کردیم...».

از اینکه خداوند می فرماید: «وَهَبْنا» استفاده می شود که امر به معروف و نهی از منکر واجب است و اگر ما به او صله می دهیم در واقع بخشش و هدیه ای است از ناحیه ما، نه اینکه مستحق آن باشد. و لذا در

۱- ۳۳. سوره نحل، آیه ۹۰.

۲- ۳۴. سوره مریم، آیه ۴۹ و ۵۰.

جایی دیگر تعبیر «برحمه منّا» دارد که دلالت می کند بر اینکه عنایت ما به آمر به معروف و ناهی از منکر از روی رحمت است نه استحقاق؛ آنجا که درباره شعیب پیامبرعلیه السلام می فرماید: «وَلَمّا جَآءَ أَمْرُنا نَجَّیْنا شُعَیْباً وَالَّذِینَ آمَنُوا مَعَهُ بِرَحْمَهٍ مِنّا...»؛(۱) «و هنگامی که فرمان ما فرا رسید، شعیب و کسانی را که با او ایمان آورده بودند، به رحمت خود نجات دادیم».

۱۵ - و نیز می فرماید: «ادْعُ إِلَی سَبِیلِ رَبِّکَ بِالْحِکْمَهِ وَالْمَوْعِظَهِ الْحَسَنَهِ...»؛(۲) «با حکمت و اندرز نیکو، به راه پروردگارت دعوت نما!».

روایات و تشویق به امر به معروف و نهی از منکر

۱ - امر به معروف و نهی از منکر دو سهم از هشت سهم اسلام

حذیفه از رسول خداصلی الله علیه وآله نقل کرده که فرمود: «الاسلام ثمانیه اسهم: الاسلام سهم والصلاه سهم والزکاه سهم وحج البیت سهم والأمر بالمعروف سهم والنهی عن المنکر سهم والجهاد فی سبیل اللّه سهم وقد خاب من لا سهم له»؛(۳) «برای اسلام هشت سهم است؛ اسلام یک سهم، نماز یک سهم، زکات یک سهم، حج خانه خدا سهمی، امر به معروف سهمی، نهی از منکر سهمی، و برای جهاد در راه خدا نیز سهمی است. و خسارت دید کسی که برای او سهمی نیست».

۱- ۳۵. سوره هود، آیه ۹۴.

۲- ۳۶. سوره نحل، آیه ۱۲۵.

۳- ۳۷. الترغیب والترهیب، ج ۳، ص ۲۳۲.

۲ – راه انبیا و صالحان

از امام باقرعلیه السلام نقل شده که فرمود: «انّ الأمر بالمعروف والنهی عن المنکر سبیل الأنبیاء ومنهاج الصالحین، فریضه عظیمه...»؛(۱) «همانا امر به معروف و نهی از منکر راه انبیا و طریق صالحان و فریضه ای بزرگ است».

۳ – هدف قیام امام حسین علیه السلام

از امام حسین علیه السلام نقل شده که فرمود: «انّی لم اخرج أشراً ولا بطراً ولامفسداً ولا ظالماً وانّما خرجت لطلب الاصلاح فی امه جدّی علیهم السلام، ارید أن امر بالمعروف وانهی عن المنکر واسیر بسیره جدی صلی الله علیه وآله وابی علی بن ابیطالب علیه السلام»؛(۲) «من به جهت طغیان گری و ایجاد تفرقه بین مسلمین و فساد و ظلم قیام نکردم، بلکه برای اصلاح در امّت جدّ خود خروج نمودم، می خواهم امر به معروف و نهی از منکر کرده و به سیره جد و پدرم علی بن ابی طالب علیه السلام عمل کنم».

۴ – واجب بزرگ

از امام باقرعلیه السلام نقل شده که فرمود: «انّ الامر بالمعروف والنهی عن المنکر سبیل الأنبیاء ومنهاج الصالحین، فریضه عظیمه، بها تقام الفرائض وتأمن المذاهب وتحلّ المکاسب وتردّ المظالم و تعمر الأرض وینتصف من الأعداء ویستقیم الأمر...»؛(۳) «همانا امر به معروف و نهی از منکر راه انبیا

۱– ۳۸. تهذیب الاحکام، ج ۶، ص ۱۸۰ – ۱۸۱.

۲– ۳۹. بحارالانوار، ج ۴۴، ص ۳۲۸.

۳– ۴۰. تهذیب الأحکام، ج ۶، ص ۱۸۰ – ۱۸۱.

و طریق صالحان و فریضه ای بزرگ است که به واسطه آن فرائض برپا گشته و مذاهب را پشتیبانی می کند و نیز کسب ها را حلال و ظلم ها را ردّ و زمین را آباد و از دشمنان انتقام می گیرد و امور را در طریق مستقیم خود قرار می دهد...».

۵ – قوام شریعت به امر به معروف و نهی از منکر

ابن شعبه حرانی از امام حسین علیه السلام نقل کرده که فرمود: «... بدأ اللّه بالأمر بالمعروف والنهی عن المنکر فریضه منه، لعلمه بانّها اذا ادّیت واقیمت استقامت الفرائض کلّها هینها وصعبها وذلک انّ الأمر بالمعروف والنهی عن المنکر دعاء الی الاسلام...»؛(۱) «... خداوند به امر به معروف و نهی از منکر در جایگاه فریضه ای از ناحیه خود شروع کرد؛ زیرا می دانست که اگر این دو فریضه ادا گشته و برپا شود، تمام فرایض دیگر چه آسان یا سخت برپا خواهد شد، و این بدان جهت است که امر به معروف و نهی از منکر دعوت به اسلام است».

از امام علی علیه السلام نقل شده که فرمود: «غایه الدین الأمر بالمعروف والنهی عن المنکر واقامه الحدود»؛(۲) «هدف دین امر به معروف و نهی از منکر و برپا شدن حدود الهی است».

و نیز فرمود: «قوام الشریعه الأمر بالمعروف والنهی عن المنکر واقامه

۱– ۴۱. تحف العقول، ص ۱۶۸.

۲– ۴۲. تصنیف غرر الحکم، ص ۳۳۲.

الحدود»؛(1) «قوام شریعت به امر به معروف و نهی از منکر و برپایی حدود است».

آثار و برکات امر به معروف و نهی از منکر

۱ – مشمول عزّت الهی شدن

از امام صادق علیه السلام نقل شده که فرمود: «الأمر بالمعروف والنهی عن المنکر خلقان من خلق اللَّه تعالی؛ فمن نصرهما اعزّه اللَّه تعالی ومن خذلهما خذله اللَّه تعالی»؛(2) «امر به معروف و نهی از منکر دو مخلوق از مخلوق های خداوند متعال است، که اگر کسی آن دو را یاری کند خداوند متعال او را عزیز گرداند و هرکس که آن دو را خوار نماند خداوند متعال نیز او را ذلیل کند».

۲ – تأیید مؤمنان و ذلت فاسقان

از امام علی علیه السلام نقل شده که فرمود: «من أمر بالمعروف شدّ ظهور المؤمنین، من نهی عن المنکر ارغم انوف الفاسقین»؛(3) «کسی که امر به معروف کند کمر مؤمنان را محکم نماید و کسی که نهی از منکر نماید بینی فاسقان را به خاک مالیده است».

۳ – نجات از عذاب عمومی

اگر کسی امر به معروف و نهی از منکر کند، از عذابی که قرار است

۱– ۴۳. همان.

۲– ۴۴. کافی، ج ۵، ص ۵۹.

۳– ۴۵. تصنیف غرر الحکم، ص ۳۳۲.

برعموم مردم وارد شود نجات می یابد؛

خداوند متعال درباره حضرت هودعلیه السلام از آن جهت که نهی از منکر کرده است می فرماید: «وَلَمّا جَآءَ أَمْرُنا نَجَّیْنا هُوداً وَالَّذِینَ آمَنُوا مَعَهُ بِرَحْمَهٍ مِنّا وَنَجَّیْناهُم مِنْ عَذابٍ غَلِیظٍ»؛(۱) «و هنگامی که فرمان ما فرا رسید، «هود» و کسانی را که با او ایمان آورده بودند، به رحمت خود نجات دادیم؛ و آنها را از عذاب شدید، رهایی بخشیدیم».

و درباره حضرت صالح علیه السلام می فرماید: «فَلَمّا جَآءَ أَمْرُنا نَجَّیْنا صالِحاً وَالَّذِینَ آمَنُوا مَعَهُ بِرَحْمَهٍ مِنّا وَمِنْ خِزْیِ یَوْمِئِذٍ...»؛(۲) «و هنگامی که فرمان (مجازات) ما فرا رسید، صالح و کسانی را که با او ایمان آورده بودند، به رحمت خود (از آن عذاب) و از رسوایی آن روز، رهایی بخشیدیم».

و درباره شعیب می فرماید: «وَلَمّا جَآءَ أَمْرُنا نَجَّیْنا شُعَیْباً»؛(۳) «و هنگامی که فرمان ما فرا رسید، شعیب را نجات دادیم».

۴ - نجات عدّه ای به برکت نهی از منکر و امر به معروف

خداوند متعال می فرماید: «وَلَمّا جَآءَ أَمْرُنا نَجَّیْنا شُعَیْباً وَالَّذِینَ آمَنُوا مَعَهُ»؛(۴) «و هنگامی که فرمان ما فرا رسید، شعیب و کسانی را که با او ایمان آورده بودند را نجات دادیم...».

۱- ۴۶. سوره هود، آیه ۵۸.

۲- ۴۷. سوره هود، آیه ۶۶.

۳- ۴۸. سوره هود، آیه ۹۴.

۴- ۴۹. همان.

و نیز درباره اصحاب سبت می فرماید: «فَلَمّا نَسُوا ما ذُکِّرُوا بِهِ أَنْجَیْنا الَّذِینَ یَنْهَوْنَ عَنِ السُّوءِ وَأَخَذْنَا الَّذِینَ ظَلَمُوا بِعَذابٍ بَئِیسٍ بِما کانُوا یَفْسُقُونَ»؛(۱) «امّا هنگامی تذکراتی را که به آنها داده شده بود فراموش کردند، (لحظه عذاب فرا رسید؛ و) نهی کنندگان از بدی را رهایی بخشیدیم و کسانی را که ستم کردند، به خاطر نافرمانی شان به عذاب شدیدی گرفتار ساختیم».

۵ – به خیر دنیا رسیدن

خداوند متعال درباره مناظره و نهی از منکر حضرت ابراهیم علیه السلام با عمویش آذر می فرماید: «فَلَمّا اعْتَزَلَهُمْ وَما یَعْبُدُونَ مِن دُونِ اللَّهِ وَهَبْنا لَهُ إِسْحاقَ وَیَعْقُوبَ...»؛(۲) «هنگامی که از آنان و آنچه به جای خدا می پرستیدند کناره گیری کرد، ما اسحاق و یعقوب را به او بخشیدیم».

۶ – مشمول رحمت خدا شدن

خداوند متعال درباره همان موضوع می فرماید: «وَوَهَبْنا لَهُمْ مِنْ رَحْمَتِنا...»؛(۳) «و از رحمت خود به آنان عطا کردیم».

۷ – زبان گویا پیدا کردن

در ادامه همان قصه آمده است: «...وَجَعَلْنا لَهُمْ لِسانَ صِدْقٍ عَلِیّاً»؛(۴) «و برای آنها نام نیک و مقام برجسته ای (در میان همه امّت ها) قرار دادیم».

۱– ۵۰. سوره اعراف، آیه ۱۶۵.

۲– ۵۱. سوره مریم، آیه ۴۹.

۳– ۵۲. سوره مریم، آیه ۵۰.

۴– ۵۳. همان.

۸ – افضل اعمال

از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل شده که فرمود: «الأمر بالمعروف افضل أعمال الخلق»؛(۱) «امر به معروف بهترین اعمال خلق است».

۹ – عمر و روزی را کم نمی کند

از امام علی علیه السلام نقل شده که فرمود: «... وأنّ الأمر بالمعروف والنهی عن المنکر لا يقرّبان من اجل ولا ينقصان من رزق...»؛(۲) «... همانا امر به معروف و نهی از منکر مرگ را نزدیک نمی کند و از روزی انسان کم نمی نماید...».

۱۰ – در حکم نماز بودن

از رسول خداصلی الله علیه وآله نقل شده که فرمود: «أمرك بالمعروف ونهیک عن المنکر صلاه»؛(۳) «امر تو به معروف و نهی تو از منکر در حکم نماز است».

۱۱ – در حکم صدقه بودن

از پیامبرصلی الله علیه وآله نقل شده که فرمود: «وأمرٌ بالمعروف صدقه ونهیٌ عن المنکر صدقه»؛(۴) «امر به معروف صدقه است و نهی از منکر در حکم صدقه می باشد».

۱۲ – جانشین خدا و رسول شدن

از پیامبرصلی الله علیه وآله نقل شده که فرمود: «من امر بالمعروف ونهی عن المنکر

۱– ۵۴. تصنیف غرر الحکم، ص ۳۳۱.

۲– ۵۵. نهج البلاغه، حکمت ۳۷۴.

۳– ۵۶. الترغیب والترهیب، ج ۳، ص ۲۲۴.

۴– ۵۷. همان.

فهـو خليفه اللَّه فی أرضه وخليفه رسول اللَّه وخليفه كتـابه»؛(۱) «كسـی كه امر به معروف و نهی از منكر كنـد، جانشـين خدا در روی زمين و جانشين رسول خدا و جانشين كتاب خداست».

۱۳ - بهترين مردم شدن

از پيامبرصـلی الله عليه وآله نقل شـده كه فرمود: «خير الناس اتقاهم للربّ عزّوجلّ واوصـلهم للرحم وآمرهم بالمعروف وأنهاهم عن المنكر»؛(۲) «بهترين مردم كسانی هسـتند كه تقوای بيشتری نسـبت به پروردگارشان داشته و صله رحم بيشتری نمايند و امر به معروف و نهی از منكر بيشتر نمايند».

۱۴ - ثواب انجام دهنده را داشتن

از رسول خداصـلی الله عليه وآله نقل شـده كه فرمود: «الآمر بالمعروف كفاعله»؛(۳) «امر كننـده به معروف همانند انجام دهنده آن در ثواب است».

و نيز نقـل شـده كه فرمود: «من أمر بمعروف او نهی عنی منكر او دلّ علی خير او أشار به فهو شـريک ومن امر بسوء او دلّ عليه أو أشار به، فهو شريک»؛(۴) «كسـی كه امر به معروف و نهی از منكر كنـد يا بر خير راهنمايی نموده يا اشاره كند، شـريک در عمل آن است و كسی كه امر به كار زشت كرده يا بر آن راهنمايی يا اشاره كند شريک در عمل آن است».

ص:۳۵

۱- ۵۸. الفردوس بمأثور الخطاب، ج ۳، ص ۵۸۶.
۲- ۵۹. الترغيب والترهيب، ج ۳، ص ۲۳۰.
۳- ۶۰. كنز العمال، ج ۳، ص ۷۳.
۴- ۶۱. خصال، صدوق، ج ۱، ص ۱۳۸.

۱۵ – اجر سلف صالح را دارد

از رسول خداصلی الله علیه وآله نقل شـده که فرمود: «إنّ من أمّتی قوماً یعطون مثل اجور أوّلهم ینکرون المنکر»؛(۱) «همانا از امتم قومی است که ثواب و اجر سلف صالح را دارند و آنان کسانی هستند که نهی از منکر می کنند».

۱۶ – در مسیر حق قرار داشتن

از امام علی علیه السـلام نقل شده که فرمود: «... یأمر بالمعروف وینهی عن المنکر، لایدخل فی الباطل ولا یخرج من الحق»؛(۲) «... کسی که امر به معروف و نهی از منکر کند داخل در باطل نمی شود و از حقّ خارج نمی گردد».

۱۷ – حکم شهید را داشتن

از پیامبرصلی الله علیه وآله نقل شده که فرمود: «... والآمر بالمعروف والناهی عن المنکر شهید»؛(۳) «... وامر کننده به معروف و نهی کننده از منکر حکم شهید را دارد».

ص:۳۶

۱- ۶۲. مجمع الزوائد، ج ۷، ص ۲۷۱.
۲- ۶۳. مکارم الاخلاق، ص ۴۷۷.
۳- ۶۴. مسند امام زید، ص ۳۱۶.

عواقت و آثار ترک امر به معروف و نهی از منکر

۱ – سلب صفت کمال ایمان و اسلام از تارک این دو

از پیامبرصلی الله علیه وآله نقل شده که فرمود: «لیس منّا من لم یرحم صغیرنا لم ویوقّر کبیرنا و لم یأمر بالمعروف ولم ینهی عن المنکر»؛(۱) «از ما نیست کسی که به صغیر ما رحم نکرده و احترام بزرگ ما را پاس نمی دارد و امر به معروف و نهی از منکر نمی کند».

۲ – لعنت خدا بر تارک این دو

از پیامبرصلی الله علیه وآله نقل شده که فرمود: «اذا ظهرت البدعه فی امّتی فلیظهر العالم علمه فان لم یفعل فعلیه لعنه اللّه»؛(۲) «هرگاه بدعت در میان امتم ظاهر گشت؛ پس بر عالم است که علمش را اظهار کند وگرنه لعنت خدا بر او باد».

۳ – مشمول بغض خداوند شدن

از رسول خداصلی الله علیه وآله نقل شده که فرمود: «انّ اللّه عزّوجلّ لیبغض المؤمن الضعیف الّذی لا دین له. فقیل له: وما المؤمن الّذی لا دین له؟ قال: الّذی لاینهی عن المنکر»؛(۳) «همانا خدای عزّوجلّ به طور حتم مؤمن ضعیفی را که

۱– ۶۵. همان، و شبیه آن، جامع احادیث الشیعه، ج ۱۴، ص ۳۹۶.
۲– ۶۶. محاسن برقی، ص ۲۳۱.
۳– ۶۷. کافی، ج ۵، ص ۵۹.

دین نـدارد دشـمن می دارد؛ عرض شـد: این کدامین مؤمنی است که دین ندارد؟ حضـرت فرمود: کسـی که نهی از منکر نمی کند».

۴ – مبتلا شدن به گرفتاری

از آیـات قرآن کریم اسـتفاده می شود که تغییر نعمت هـا و گرفته شـدن آنها از مردم و تبـدیل شـدن آن به عـذاب و گرفتاری توسط خود مردم است؛ زیرا آنان هستند که با دوری از خدا و انجام گناه موجب سلب نعمت ها می شوند:

خداونـد متعال می فرمایـد: «إِنَّ اللَّهَ لَا یُغَیِّرُ ما بِقَوْمٍ حَتّی یُغَیِّرُوا ما بِأَنفُسِهِمْ...»؛(۱) «خداونـد سـرنوشت هیچ قوم [و ملّتی را تغییر نمی دهد مگر آنکه آنان آنچه را در خودشان است تغییر دهند».

و نیز می فرمایـد: «ذلِکَ بِأَنَّ اللَّهَ لَمْ یَکُ مُغَیِّراً نِّعْمَهً أَنْعَمَها عَلَی قَوْمٍ حَتّی یُغَیِّرُوا ما بِأَنفُسِهِمْ»؛(۲) «این، به خـاطر آن است که خداوند، هیچ نعمتی را که به گروهی داده، تغییر نمی دهد؛ جز آنکه آنها خودشان را تغییر دهند».

خداونـد متعال می فرمایـد: «ظَهَرَ الْفَسادُ فِی الْبَرِّ وَالْبَحْرِ بِما کَسَبَتْ أَیْدِی النّاسِ...»؛(۳) «به سـبب آنچه دست هـای مردم فراهم آورده، فساد در خشکی و دریا نمودار شده است».

از رسول خداصلی الله علیه وآله نقل شده که فرمود: «لا یزال الناس بخیر ما أمروا

۱- ۶۸. سوره رعد، آیه ۱۱.

۲- ۶۹. سوره انفال، آیه ۵۳.

۳- ۷۰. سوره روم، آیه ۴۱.

بالمعروف ونهوا عن المنكر وتعاونوا علی البرّ، فاذا لم یفعلوا ذلک نزعت منهم البرکات وسلط بعضهم علی بعض ولم یکن لهم ناصر فی الأرض ولا فی السماء»؛(۱) «مردم همیشه در خیر و برکت اند تا زمانی که امر به معروف و نهی از منکر نموده و در نیکی، یکدیگر را یاری دهند و چون به وظیفه خود عمل نکنند، برکات از آنان رفته و برخی بر بعضی دیگر مسلط می شوند و در آن هنگام یاوری در زمین و آسمان برای آنان نیست».

از امام رضاعلیه السلام نقل شده که فرمود: «کان رسول اللَّه صلی الله علیه وآله یقول: اذا امّتی تواکلت الأمر بالمعروف والنهی عن المنکر، فلتأذن بوقاع من اللَّه تعالی»؛(۲) «رسول خداصلی الله علیه وآله همیشه می فرمود: هرگاه امّتم امر به معروف و نهی از منکر را به دیگری واگذار کند، باید آماده مصائبی از جانب خدای متعال باشد».

۵ - مبارزه با خدا

از امام صادق علیه السلام نقل شده که فرمود: «... واذا رأی المنکر فلم ینکره وهو یقوی علیه فقد أحبّ أن یعصی اللَّه، ومن أحبّ أن یعصی اللَّه فقد بارز اللَّه بالعداوه...»؛(۳) «... هرگاه کسی منکر را مشاهده کند و آن را انکار ننماید در حالی که قدرت بر انکار دارد، در حقیقت دوست دارد که معصیت خدا گردد، و کسی که دوست داشته باشد که معصیت خدا شود با خدا به مبارزه پرداخته و دشمنی کرده است...».

۱- ۷۱. وسائل الشیعه، باب اوّل از ابواب امر به معروف و نهی از منکر، ح ۱۸.

۲- ۷۲. تهذیب الأحکام، ج ۶، ص ۱۷۷.

۳- ۷۳. معانی الأخبار، ص ۲۵۳.

۶ – عدم رضایت الهی از سکوت

از امام علی علیه السلام نقل شده که فرمود: «... إنّ اللّه تبارک وتعالی لم یرض من أولیائه ان یعصی فی الأرض وهم سکوت مذعنون لایأمرون بالمعروف ولاینهون عن المنکر...»؛(۱) «... همانا خداوند تبارک و تعالی راضی نمی شود از اولیائش که در روی زمین معصیت شود و آنان ساکت بوده و با سکوتشان مهر صحت بر آن بگذارند و امر به معروف نکرده و نهی از منکر ننمایند».

۷ – مسلّط شدن اشرار بر مردم

از امام رضاعلیه السلام نقل شده که فرمود: «لتأمرنّ بالمعروف ولتنهنّ عن المنکر او لیستعملنّ علیکم شرارکم فیدعوا خیارکم فلا یستجاب لهم»؛(۲) «یا امر به معروف و نهی از منکر می کنید و یا اینکه خداوند بر شما افراد بدی از بینتان مسلّط خواهد کرد، که در آن زمان هر چه خوبان شما دعا می کنند برایشان مستجاب نخواهد شد».

۸ – عقاب الهی

خداوند متعال می فرماید: «لَهُ مُعَقِّباتٌ مِنْ بَیْنِ یَدَیْهِ وَمِنْ خَلْفِهِ یَحْفَظُونَهُ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ لَا یُغَیِّرُ ما بِقَوْمٍ حَتَّی یُغَیِّرُوا ما بِأَنفُسِهِمْ»؛(۳) «برای انسان، مأمورانی است که پی در پی، از پیش رو و از پشت سرش او را از فرمان خدا [حوادث غیر حتمی حفظ می کنند؛ (امّا) خداوند سرنوشت هیچ

۱– ۷۴. وقعه صفین، ص ۴۷۴.

۲– ۷۵. کافی، ج ۵، ص ۵۶.

۳– ۷۶. سوره رعد، آیه ۱۱.

قوم (و ملّتی) را تغییر نمی دهد مگر آنکه آنان آنچه را در خودشان است تغییر دهند».

و می فرمایـد: «ذلِکَ بِأَنَّ اللَّهَ لَمْ یَکُ مُغَیِّراً نِّعْمَهً أَنْعَمَها عَلی قَوْمٍ حَتّی یُغَیِّرُوا ما بِأَنفُسِهِمْ»؛ «این، به خاطر آن است که خداونـد، هیچ نعمتی را که به گروهی داده، تغییر نمی دهد؛ جز آنکه آنها خودشان را تغییر دهند».

از رسول خداصلی الله علیه وآله نقل شـده که فرمود: «والّذی نفس محمّد بیده لتأمرنّ بالمعروف، لتنهنّ عن المنکر او لیوشکنّ اللّه ان یبعث علیکم عقاباً من عنده ثمّ لتدعنه فلا یستجاب لکم»؛(۱) «قسم به کسی که جان محمّد به دست اوست یا امر به معروف و نهی از منکر می کنید و یا اینکه نزدیک است خداوند بر شما عقابی را از نزد خود بفرستد که در آن صورت هرچه او را می خوانید برای شما اجابت نمی کند».

۹ - فراگیر شدن عقوبت

خداونـد متعال می فرمایـد: «وَاتَّقُوا فِتْنَهً لَا تُصِیبَنَّ الَّذِینَ ظَلَمُوا مِنکُمْ خَاصَّهً وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ شَدِیدُ الْعِقابِ»؛(۲) «و از فتنه ای بپرهیزید که تنها به ستمکاران شما نمی رسد؛ (بلکه همه را فرا خواهد گرفت؛ چرا که دیگران سکوت اختیار کردند.) و بدانید خداوند کیفر شدید دارد!».

از رسول خداصلی الله علیه وآله نقل شده که فرمود: «اذا رأیتم امّتی تهاب الظالم

۱- ۷۷. کنز العمال، ج ۳، ص ۶۸.

۲- ۷۸. سوره انفال، آیه ۲۵.

ان تقول له؛ انّک انت ظالم فقد تُودِّع منهم»؛(۱) «هرگاه امتم را مشاهده کردید از ظالم می ترسد که به او بگوید تو ظالم هستی، از میان آنان وداع کن».

از امام باقرعلیه السلام نقل شده که فرمود: «... اوحی اللَّه الی شعیب النبیّ علیه السلام: انّی لمعذب من قومک مائه الف؛ أربعین الفاً من شرارهم وستّین ألفاً من خیارهم. فقال: یا ربّ هؤلاء الأشرار فما بال الأخیار؟ فأوحی اللَّه عزّوجلّ الیه: أنّهم داهنوا اهل المعاصی ولم یغضبوا لغضبی»؛(۲) «... خداوند به شعیب نبی علیه السلام وحی کرد که به طور حتم، از میان قومت صدهزار نفر را عذاب خواهم نمود که چهل هزار نفر آنان از افراد بد و شصت هزار نفر دیگر از خوبان اند؛ شعیب عرض کرد: ای پروردگار من! اینان از اشرارند ولی خوبان چه گناهی کرده اند؟ خداوند عزّوجلّ به او وحی کرد که خوبان با اهل معصیت مسامحه نموده و به غضب من غضبناک نشدند».

۱- ۷۹. مسند احمد، رقم حدیث ۶۵۲۱، ج ۱۰، ص ۲۹ - ۳۰.

۲- ۸۰. تهذیب الاحکام، ج ۶، ص ۱۸۰ - ۱۸۱.

شرایط امر به معروف و نهی از منکر

۱ - علم به معروف و منکر

از رسول خداصلی الله علیه وآله نقل شده که فرمود: «لایأمر بالمعروف ولاینهی عن المنکر الّا من کان فیه ثلاث:... عالماً بما یأمر به، عالماً بما ینهی عنه»؛(۱) «امر به معروف و نهی از منکر نمی کند مگر کسی که در او سه خصلت باشد:... یکی آنکه عالم باشد به آنچه امر نموده و از آن نهی می کند».

از امام صادق علیه السلام سؤال شد که امر به معروف و نهی از منکر بر جمیع امّت واجب است؟ حضرت فرمود: «لا، فقیل له: ولِمَ؟ قال: انّما هو علی القوی المطاع، العالم بالمعروف من المنکر، لا علی الضعیف الّذی لایهتدی سبیلاً الی ایّ من ایّ یقول من الحق الی الباطل والدلیل علی ذلک کتاب اللَّه عزّوجلّ قوله: «وَلْتَكُنْ مِنكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنكَرِ» فهذا خاص غیر عام؛ کما قال اللَّه عزّوجلّ: «وَمِن قَوْمِ مُوسَى أُمَّةٌ يَهْدُونَ بِالْحَقِّ وَبِهِ يَعْدِلُونَ» ولم یقل: علی امه موسی ولا علی کل قومه وهم یومئذ أمم مختلفه...»؛(۲) «هرگز، عرض شد چرا؟ حضرت فرمود: همانا این دو وظیفه، بر کسی است که از او اطاعت می کنند، کسی که معروف را

۱- ۸۱. جعفریات، ص ۸۸.

۲- ۸۲. کافی، ج ۵، ص ۵۹ - ۶۰.

از منکر تشخیص می دهد؛ نه بر ضعیفی که راه به جایی نبرده و حقّ را از باطل تشخیص نمی دهد، از حقّ می گوید ولی سر از باطل در می آورد. و دلیل بر آن کتاب خدای عزّوجلّ است که فرمود: (و باید از میان شما «گروهی» باشند که دعوت به خیر کرده و امر به معروف و نهی از منکر می کنند) و این خاص است نه عام؛ همان گونه که خداوند عزّوجلّ فرمود: (و از میان قوم موسی امتی هستند که به حقّ هدایت کرده و به آن میل می کنند) و نفرمود: بر امّت موسی و بر تمام قومش و این در حالی است که در آن روز، امّت موسی دارای امّت های مختلف بودند...».

امام خمینی رحمه الله در این باره می فرماید: «یادگیری شرایط امر به معروف و نهی از منکر و موارد وجوب و جواز و عدم آن، واجب است تا در امر و نهی خود مرتکب منکر نشود».(۱)

۲ - قدرت بر تأثیرگذاری

در حدیثی که ذکر شد امام صادق علیه السلام فرمود: «... انّما هو علی القوی المطاع...»؛(۲) «... همانا این دو تکلیف است بر کسی که قوی بوده و مردم او را اطاعت می نمایند...».

۳ - قطع یا احتمال تأثیر

از امام صادق علیه السلام نقل شده که فرمود: «انّما یُؤمر بالمعروف وینهی عن

۱- ۸۳. تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۴۲۸.

۲- ۸۴. همان.

المنكر مؤمن فيتّعظ او جاهل فيتعلّم وامّا صاحب سوط او سيف فلا»؛(۱) «همانا کسی امر به معروف و نهی از منکر می شود که مؤمن بوده و موعظه پذیر باشد یا جاهل است و قصد فراگیری دارد؛ ولی کسی که اهل تازیانه و شمشیر است، هرگز».

از رسول خداصلی الله علیه وآله درباره این حدیث: «انّ افضل الجهاد کلمه عدل عند امام جائر»؛ «بهترین جهاد گفتار حقّ نزد سلطان ظالم است»، سؤال شد که معنای آن چیست؟ پیامبرصلی الله علیه وآله فرمود: «هذا علی ان یأمره بعد معرفته وهو مع ذلک یقبل منه و الّا فلا»؛(۲) «این تکلیف به این است که سلطان را بعد از شناخت حقّ، امر به آن کند و مع ذلک - بداند یا احتمال دهد - که از او می پذیرد وگرنه بر او تکلیفی نیست».

امام خمینی رحمه الله در این باره می فرماید: «احتمال تأثیر امر و نهی را بدهد؛ پس اگر بداند یا اطمینان پیدا کند که تأثیر ندارد واجب نخواهد بود».(۳)

ایشان نیز می فرماید: «گمان به بی تأثیری هر چند قوی باشد موجب سقوط وجوب نیست؛ پس هر گاه احتمال قابل اعتناء پیش عقلا در بین باشد، واجب است».(۴)

و نیز می فرماید: «اگر دو شاهد عادل گواهی بر بی تأثیری دادند، با

۱- ۸۵. کافی، ج ۵، ص ۶۰.
۲- ۸۶. کافی، ج ۵، ص ۶۰.
۳- ۸۷. تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۴۲۹.
۴- ۸۸. همان.

وجود احتمال تأثیر، ظاهر این است که وجوب ساقط نمی شود».(۱)

۴ – ایمن بودن از ضرر

از امـام صادق علیه السـلام نقل شـده که فرمود: «...والامر بالمعروف والنهی عن المنکر واجبان علی من امکنه ذلک ولم یخف علی نفسه ولا علی اصحابه»؛(۲) «...و امر به معروف و نهی از منکر بر کسی واجب است که بر او امکان داشته و بر جان خود و اصحابش نترسد».

امام خمینی رحمه الله در این باره می فرمایـد: «اگر بداند یا گمان قوی داشـته باشد که انکار او موجب زیان جانی یا آبرویی یا مـالی مورد توجه بر خود او یا یکی از وابسـتگان به او مثل خویشان و یاران و همراهان او خواهـد داشت، انکار واجب نیست و ساقط می شود».(۳)

۵ – اهل عمل بودن

خداونـد متعال می فرماید: «کَبُرَ مَقْتاً عِندَ اللَّهِ أَن تَقُولُوا ما لَا تَفْعَلُونَ»؛(۴) «(بترسید از) اینکه سخنی بگویید و به آن عمل نکنید! بسیار موجب خشم و غضب خدا است».

از امام علی علیه السـلام نقل شـده که فرمود: «من نصب نفسه للناس اماماً فعلیه ان یبدأ بتعلیم نفسه قبل تعلیم غیره ولیکن تأدیبه بسیرته قبل تأدیبه بلسانه»؛(۵) «کسی که خودش را رهبر مردم قرار داده، براوست که شروع به

۱- ۸۹. همان.

۲- ۹۰. خصال، صدوق، ج ۲، ص ۶۰۹.

۳- ۹۱. تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۴۳۳.

۴- ۹۲. سوره صف، آیه ۳.

۵- ۹۳. شرح ابن ابی الحدید، ج ۱۸، ص ۲۲۰.

تعلیم نفس خود کند قبل از آنکه دیگری را تعلیم دهد و باید تربیت با عمل خود را قبل از تربیت به زبان قرار دهد».

از رسول خداصلی الله علیه وآله نقل شده که به ابن مسعود فرمود: «...لاتکوننّ ممّن یهدی الناس الی الخیر ویأمرهم بالخیر وهو غافل عنه...»؛(۱) «...از کسانی مباش که مردم را به خیر هدایت کرده و امر به خیر می نماید ولی خودش از آن غافل است...».

و از امام علی علیه السلام نقل شده که فرمود: «ائتمروا بالمعروف وأمروا به وتناهوا عن المنکر وانهوا عنه»؛(۲) «قبل از آنکه امر به معروف کنید خودتان معروف را بپذیرید و قبل از آنکه نهی از منکر کنید دست از منکر بردارید».

و نیز نقل شده که فرمود: «احصد الشرّ من صدر غیرک بقلعه من صدرک»؛(۳) «با کندن شرّ از سینه خود، شرّ و بدی را از سینه دیگری درو کن».

و نیز نقل شده که فرمود: «کونوا دعاه للناس بغیر ألسنتکم؛ لیروا منکم الورع والاجتهاد والصلاه والخیر؛ فانّ ذلک داعیه»؛(۴) «مردم را به غیر زبان خود دعوت کنید تا از شما ورع و کوشش و نماز را مشاهده کنند؛ زیرا این روش مردم را به حقّ دعوت می کند».

و نیز نقل شده که فرمود: «..أیّها الناس! انّی واللّٰه ما أحثکم علی طاعه

۱- ۹۴. مکارم الاخلاق، ص ۴۵۷.

۲- ۹۵. تصنیف نهج البلاغه، ص ۳۳۲.

۳- ۹۶. همان، ص ۱۰۶.

۴- ۹۷. کافی، ج ۲، ص ۷۸.

الّا وأسبقكم اليها ولا أنهاكم عن معصيه الّا وأتناهي قبلكم عنها»؛(۱) «ای مردم! به خدا سوگند، من شما را بر طاعتی وادار نمی کنم جز آنکه خود بر آن سبقت می جویم و از معصیتی نهی نمی کنم جز آنکه قبل از شما خودم از آن دوری می کنم».

امام علی علیه السلام در وصیت خود به محمّد بن حنفیه فرمود: «... وکن آخذ الناس بما تأمر به وأکفّ الناس عمّا تنهی عنه...»؛(۲) «... خود به آنچه که امر می کنی از دیگران بیشتر عمل کن و از آنچه نهی می کنی از دیگران بیشتر پرهیز نما...».

۶- اخلاص در امر و نهی

امام خمینی رحمه الله در این باره می فرماید: «سزاوار است که آمر به معروف و ناهی از منکر در امر و نهی و مراتب انکار، خود مانند پزشک معالج مهربان یا پدر مهربان مراعات مصلحت شخص آلوده به گناه را بنماید و انکار او لطف و رحمت برای مرتکب و بلکه بر همه امّت باشد. و سزاوار است قصد او تنها خدا و رضایت او باشد و عمل خود را از آمیخته شدن با هواهای نفسانی و اظهار بزرگی حفظ کند و نفس خود را منزه نداند و برای آن برتری و بزرگی بر مرتکب قائل نباشد...».(۳)

۱- ۹۸. نهج البلاغه، خطبه ۱۷۵.
۲- ۹۹. من لا یحضره الفقیه، ج ۴، ص ۳۸۷، ح ۸۳۴.
۳- ۱۰۰. تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۴۴۲.

روش های امر به معروف و نهی از منکر

اشاره

امر به معروف و نهی از منکر روش هایی دارد که به برخی از آنها اشاره می کنیم:

۱ – استفاده از اسلوب صحیح و غیر حساسیت زا

خداوند متعال می فرماید: «...وَإِنّا أَوْ إِیّاکُمْ لَعَلی هُدًی أَوْ فِی ضَلالٍ مُبِینٍ...»؛(۱) «...و ما یا شما بر هدایت یا در ضلالت آشکار هستیم...».

خداونـد به طور صریح و یک جانبه نمی فرمایـد: ما بر حقّ و شـما بر باطل هستیـد؛ برای اینکه طرف مقابل را تحریک نکند و بتواند او را به پذیرش گفتارش دعوت نماید.

و نیز می فرمایـد: «...أَفَمَن یَهْدِی إِلَی الْحَقِّ أَحَقُّ أَن یُتَّبَعَ أَمَّن لَّا یَهِدِّی إِلَّا أَن یُهْدی فَما لَکُمْ کَیْفَ تَحْکُمُونَ»؛(۲) «آیا آن که (خلق را) به راه حق رهبری می کنـد سزاوارتر به پیروی است، یا آن کس که خود هدایت نمی شود مگر هدایتش کنند؟! پس شما (مشرکان) را چه شده که (آن قدر نادانید که) چنین قضاوت می کنید؟».

در این آیه از کلمه (احقّ) استفاده شده که «افعل التفضیل» است نه

۱– ۱۰۱. سوره سبأ، آیه ۲۴.

۲– ۱۰۲. سوره یونس، آیه ۳۵.

(حقّ) با آنکه خداوند، حقّ و هر آنچه غیر اوست از بت ها و ... باطل است؛ ولی به جهت حساس نکردن طرف مقابل از افعل التفضیل استفاده کرده است.

و نیز درباره قوم عاد نقل شده: «قالَ الْمَلأُ الَّذِینَ کَفَرُوا مِن قَوْمِهِ إِنّا لَنَراکَ فِی سَفاهَهٍ وَإِنّا لَنَظُنُّکَ مِنَ الْکاذِبِینَ * قالَ یاقَوْمِ لَیْسَ بِی سَفاهَهٌ وَلکِنِّی رَسُولٌ مِن رَبِ الْعالَمِینَ»؛(۱) «گروهی از قومش که کافر شدند گفتند: ما تو را سفیه و بی خرد می یابیم و گمان می کنیم که تو از دروغگویان باشی؛ پاسخ داد: ای قومِ من! مرا سفاهتی نیست (و گمان شما باطل است)، لیکن من رسول پروردگار عالمیان هستم».

و در مورد قوم حضرت نوح می فرماید: «قالَ الْمَلأُ مِن قَوْمِهِ إِنّا لَنَراکَ فِی ضَلالٍ مُبِینٍ * قالَ یاقَوْمِ لَیْسَ بِی ضَلالَهٌ وَلکِنِّی رَسُولٌ مِنْ رَبِ الْعالَمِینَ»؛(۲) «گروهی از قومش گفتند: ما تو را سخت در گمراهی آشکار می بینیم؛ (در پاسخ آنان) گفت: ای قومِ من! اصلاً در گمراهی نیستم (شما به خطا می روید)؛ لیکن من رسول پروردگار عالمیان هستم».

پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله در ابتدای دعوت به عشیره خود فرمود: «یا بنی عبدالمطلب! انّی واللّه ما اعلم شاباً فی العرب جاء قومه بأفضل ممّا قد جئتکم به، انّی قد جئتکم بخیر الدنیا والآخره وقد امرنی اللّه ان ادعوکم الیه...»؛(۳) «ای فرزندان عبدالمطلب! به خدا سوگند، من جوانی را در بین عرب

۱- ۱۰۳. سوره اعراف، آیه ۶۶ - ۶۷.

۲- ۱۰۴. سوره اعراف، آیه ۶۰ - ۶۱.

۳- ۱۰۵. تاریخ طبری، ج ۲، ص ۳۱۹.

سراغ ندارم که برای قومش بهتر از آنچه من برای شما آورده ام آورده باشد، همانا خیر دنیا و آخرت را برای شما آورده ام و خداوند مرا امر کرده که شما را به سوی آن دعوت نمایم...».

۲ – استفاده از داستان

خداوند متعال می فرماید: «... فاقْصُصِ الْقَصَصَ لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ»؛(۱) «پس این حکایت را به خلق بگو، باشد که به فکر آیند».

حضرت شعیب علیه السلام خطاب به قوم خود می فرماید: «...وَانظُرُوا كَيْفَ كانَ عاقِبَةُ الْمُفْسِدِينَ...»؛(۲) «و بنگرید که عاقبت حال مفسدان چگونه بود».

و نیز از قول آن حضرت می فرماید: «وَياقَوْمِ لَا يَجْرِمَنَّكُمْ شِقاقِى أَن يُصِيبَكُم مِثْلُ ما أَصابَ قَوْمَ نُوحٍ أَوْ قَوْمَ هُودٍ أَوْ قَوْمَ صالِحٍ وَما قَوْمُ لُوطٍ مِنكُم بِبَعِيدٍ»؛(۳) «(شعیب باز هم لب به نصیحت گشود:) ای قوم من! ضدّیت با من، شما را بر آن واندارد تا بر شما همان بلایی برسد که بر قوم نوح یا قوم هود یا قوم صالح (از جانب خدا) نازل شد و (به خصوص) قوم لوط (که) از شما دور نیست».

۳ – استفاده از ضرب المثل

خداوند متعال می فرماید: «... وَيَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثالَ لِلنّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُنَ»؛(۴) «و خدا (این گونه) مثل ها(ی واضح) را برای (تذکّر) مردم می زند؛ شاید پند گیرند!».

ص:۵۱

۱- ۱۰۶. سوره اعراف، آیه ۱۷۶.

۲- ۱۰۷. سوره اعراف، آیه ۸۶.

۳- ۱۰۸. سوره هود، آیه ۸۹.

۴- ۱۰۹. سوره ابراهیم، آیه ۲۵.

و خـود از ضـرب المثـل اسـتفاده کرده می فرمایـد: «...كَمَثَلِ الْعَنكَبُوتِ اتَّخَذَتْ بَيْتاً وَإِنَّ أَوْهَنَ الْبُيُوتِ لَبَيْتُ الْعَنكَبُوتِ لَوْ كانُوايَعْلَمُونَ»؛(۱) «...مَثَل عنکبوت است که خـانه ای برای خود بنیـاد کرد؛ و اگر بداننـد سـست ترین خـانه هـا خانه عنکبوت است».

۴ – مخاطب را به فکر واداشتن

خداوند متعال درباره قصه حضـرت ابراهیم علیه السـلام می فرماید: «قالُوا ءَأَنْتَ فَعَلْتَ هذا بِالِهَتِنا يإِبْرَاهِيمُ * قالَ بَلْ فَعَلَهُ كَبِيرُهُمْ هَذَا فَسْئَلُوهُمْ إِن كانُوا يَنطِقُونَ * فَرَجَعُوا إِلَى أَنفُسِهِمْ فَقالُوا إِنَّكُمْ أَنتُمُ الظَّالِمُونَ»؛(۲) «گفتنـد: ای ابراهیم! تو با خدایان ما چنین کرده ای؟ گفت: بلکه بزرگ ترین آنها چنین کرده است، اگر سخن می گویند از آنها سؤال کنید. آنگاه با خود فکر کردند و گفتند: البته شما ستمکارید».

از امام صادق علیه السـلام نقل شـده که فرمود: «انّ رسول اللَّه صـلی الله علیه وآله نزل بأرض قرعاء فقال لأصـحابه: ائتوا بحطب فقالوا: یا رسول اللَّه نحن بأرض قرعاء ما بها من حطب قال: فلیأت کل انسان بما قـدر علیه، فجاؤا به حتی رموا بین یـدیه، بعضـه علی بعض. فقال رسول اللَّه: هکـذا تجتمع الـذنوب ثمّ قال: ایاکم والمحقّرات من الـذنوب؛ فانّ لکلّ شـی ء طالباً، ألا وانّ طالبها یکتب ما قدموا وآثارهم وکلّ شی ء احصیناه فی امام مبین»؛(۳) «همانا رسول خداصلی الله علیه وآله در

۱– ۱۱۰. سوره عنکبوت، آیه ۴۱.

۲– ۱۱۱. سوره انبیاء، آیه ۶۲ – ۶۴.

۳– ۱۱۲. کافی، ج ۲، ص ۲۸۸.

سرزمین بدون هیزم فرود آمد و فرمود: هر کدام از شما هیزم فراهم کند؛ عرض کردند: ای رسول خدا! ما در سرزمینی هستیم که هیزم وجود ندارد؛ حضرت فرمود: هر کدام از شما به مقداری که می تواند هیزم فراهم سازد؛ آنان گشته و مقداری هیزم جمع نموده و نزد حضرت روی هم ریختند؛ رسول خداصلی الله علیه وآله فرمود: اینچنین گناهان جمع می گردد؛ آنگاه فرمود: از گناهان کوچک بپرهیزید؛ زیرا برای هر چیزی طلب کننده ای است، آگاه باشید که طلب کننده گناهان آنچه مردم پیش فرستاده و آثارشان را می نویسد و هر چیزی را ما در امام آشکار شماره نموده ایم».

۵ – استفاده از گفتگو

خداوند متعال می فرماید: «ادْعُ إِلَی سَبِیلِ رَبِّکَ بِالْحِکْمَهِ وَالْمَوْعِظَهِ الْحَسَنَهِ وَجادِلْهُم بِالَّتِی هِیَ أَحْسَنُ...»؛(۱) «(ای رسول!) با حکمت و موعظه نیکو به راه پروردگارت دعوت کن و با آنها به بهترین طریقه، مناظره کن».

۶ – شجاعت در گفتار

از رسول خداصلی الله علیه وآله نقل شده که فرمود: «لایحقر احدکم نفسه. قالوا: یا رسول اللَّه! کیف یحقر احدنا نفسه؟ قال: یری امراً للَّه علیه فیه مقال ثمّ لایقول فیه، فیقول اللَّه عزّوجلّ له یوم القیمه: مامنعک ان تقول کذا وکذا؟ فیقول خشیه الناس، فیقول: فایای کنت احقّ ان تخشی»؛(۲) «کسی از شما نباید خودش را تحقیر کند. گفتند: ای رسول خدا! چگونه یکی از ما خودش را تحقیر

۱– ۱۱۳. سوره نحل، آیه ۱۲۵.

۲– ۱۱۴. سنن ابن ماجه، ج ۲، ص ۱۳۲۸.

می کند؟ حضرت فرمود: مشاهده می کند که از ناحیه خدا بر او واجب شده که مطلبی را بگوید ولی نمی گوید؛ خداوند عزّوجلّ به او در روز قیامت می فرماید: چه چیز تو را مانع شد که چنین و چنان بگویی؟ او در جواب می گوید: از مردم می ترسیدم؛ خداوند به او می فرماید: من سزاوارتر از دیگری به ترسیدن بودم».

۷ – از خود گذشتگی

از امام علی علیه السلام نقل شده که فرمود: «بالایثار یسترقّ الأحرار»؛(۱) «با از خود گذشتگی می توان آزاد مردان را به سوی خود جلب نمود».

۸ – خوشرویی

از پیامبرصلی الله علیه وآله نقل شده که فرمود: «انّکم لن تسعوا الناس بأموالکم فسعوهم باخلاقکم»؛(۲) «شما هرگز نمی توانید با اموال خود، مردم را به سوی خود جذب کنید؛ پس با اخلاقتان چنین نمایید».

۹ – مدارا کردن با مردم

از رسول خداصلی الله علیه وآله نقل شده که فرمود: «رأس العقل بعد الإیمان باللّٰه مداراه الناس فی غیر ترک الحق»؛(۳) «سرآمد عقل بعد از ایمان به خدا، مدارا کردن با مردم در غیر مورد ترک حقّ است».

از امام علی علیه السلام نقل شده که فرمود: «الرفق مفتاح النجاح»؛(۴) «مدار کلید پیروزی است».

۱– ۱۱۵. تصنیف غرر الحکم، ص ۳۹۶.

۲– ۱۱۶. امالی صدوق، ص ۶۲.

۳– ۱۱۷. تحف العقول، ص ۲۹.

۴– ۱۱۸. غرر الحکم، ص ۲۹۴.

۱۰ – نیکی و نیکوکاری

از امام علی علیه السلام نقل شده که فرمود: «بالإحسان تملک القلوب»؛(۱) «با نیکویی است که می توان قلب ها را به سوی خود جذب نمود».

۱۱ – صبور بودن

خداوند متعال می فرماید: «وَاصْبِرْ عَلَی ما یَقُولُونَ وَاهْجُرْهُمْ هَجْراً جَمِیلاً»؛(۲) «و بر آنچه (کافران و مکذّبان) می گویند، صبور و شکیبا باش! و به طرزی نیکو از آنان دوری گزین».

از امام علی علیه السلام نقل شده که فرمود: «بالحلم تکثر الأنصار»؛(۳) «با بردباری است که می توان یاران خود را زیاد کرد».

و نیز خداوند خطاب به حضرت نوح علیه السلام می فرماید: «فَاصْبِرْ إِنَّ الْعاقِبَةَ لِلْمُتَّقِینَ»؛(۴) «پس (در اطاعت حق) صبر کن که عاقبت (نیکو) از آنِ اهل تقوا است».

۱۲ – حفظ خونسردی هنگام اهانت

خداوند متعال قصه حضرت ابراهیم علیه السلام و عمویش را این گونه نقل می کند: «قالَ أَرَاغِبٌ أَنْتَ عَنْ آلِهَتِی یا إِبْرَاهِیمُ لَئِن لَمْ تَنتَهِ لَأَرْجُمَنَّکَ وَاهْجُرْنِی مَلِیّاً * قالَ سَلامٌ عَلَیْکَ سَأَسْتَغْفِرُ لَکَ رَبِّی إِنَّهُ کانَ بِی حَفِیّاً»؛(۵)

ص:۵۵

۱- ۱۱۹. تصنیف غرر الحکم، ص ۳۸۵.

۲- ۱۲۰. سوره مزمل، آیه ۱۰.

۳- ۱۲۱. تصنیف غرر الحکم، ص ۲۸۷.

۴- ۱۲۲. سوره هود، آیه ۴۹.

۵- ۱۲۳. سوره مریم، آیه ۴۶ – ۴۷.

«گفت: ای ابراهیم! مگر از خـدایانِ من روی گردان هستی؟ چنانچه دست (از مخالفت بت ها) برنداری تو را سـنگسار می کنم و (گرنه) سال هایی از من به دور باش! (ابراهیم) گفت: سـلامت باشـی، از پروردگارم برای تو آمرزش می طلبم! که او در حق من مهربان است».

از امام علی علیه السلام نقل شده که فرمود: «ان شئت ان تکرم فَلِنْ وان شئت ان تهان فاخشن»؛(۱) «اگر می خواهی اکرام شوی با نرمی سخن بگو و اگر می خواهی اهانت شوی با خشونت باش».

از امـام علی علیه السـلام نقـل شـده که فرمـود: «شـده الغضب تغیّر المنطق وتقطع مـادّه الحجه وتفرّق الفهم»؛(۲) «شدّت خشم، سخن گفتن را دگرگون می کند، قدرت استدلال را قطع کرده و شعور را متلاشی می سازد».

۱۳ – همگانی شدن

از ظاهر برخی آیات اسـتفاده می شود که امر به معروف و نهی از منکر را باید دسته جمعی و گروهی انجام داد تا هم به لحاظ امنیتی برای آمران به معروف و ناهیان از منکر بهتر باشد و هم تأثیر بیشتری در مردم بگذارد.

خداوند متعال می فرماید: «وَلْتَكُن مِّنكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ

۱- ۱۲۴. غرر الحکم، ص ۹۰۲.

۲- ۱۲۵. بحارالانوار، ج ۷۱، ص ۴۲۸، حدیث ۷۸.

وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنكَرِ »؛ «باید از میان شما، جمعی دعوت به نیکی، و امر به معروف و نهی از منکر کنند!».

امـام خمینی رحمه الله در این زمینه می فرمایـد: «اگر برپـایی واجب یـا از بین بردن منکری متوقف بر اجتمـاع گروهی در امر و نهی باشد، به واسطه اقدام بعضی وجوب از دیگران ساقط نمی شود؛ بلکه واجب است به اندازه نیاز اجتماع نمایند».(۱)

ایشان نیز می فرماید: «اگر عده ای که به اندازه نیاز نیستند؛ در پی برپایی واجبی برآیند و بقیه اقدام نکنند و افراد حاضر نتوانند بقیه را جمع کنند، وجوب از آنان ساقط نمی شود و گناه به گردن متخلفین خواهد بود».(۲)

۱۴ – نوید دنیایی دادن

حضرت نوح علیه السلام خطاب به قوم خویش می فرمود: «فَقُلْتُ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ إِنَّهُ كانَ غَفّاراً * يُرْسِلِ السَّمآءَ عَلَيْكُم مِدْرَاراً * وَيُمْدِدْكُم بِأَمْوَالٍ وَبَنِينَ وَيَجْعَل لَكُمْ جَنَّاتٍ وَيَجْعَلْ لَكُمْ أَنْهاراً»؛(۳) «از پروردگارتان آمرزش بخواهیـد که او همواره آمرزنـده است [تا] بر شـما از آسمان باران پی در پی فرستد و شما را به اموال و پسران یاری کند و برایتان باغ ها قرار دهد و نهرها برای شما پدید آورد».

۱– ۱۲۶. تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۴۲۵.

۲– ۱۲۷. همان، ص ۴۲۶.

۳– ۱۲۸. سوره نوح، آیه ۱۰ – ۱۲.

و حضرت هودعلیه السلام می فرمود: «وَیا قَوْمِ اسْتَغْفِرُوا رَبَّکَمْ ثُمَّ تُوبُوا إِلَیْهِ یُرْسِلِ السَّمآءَ عَلَیْکَم مِدْرَاراً وَیَزِدْکُمْ قُوَّةً إِلَی قُوَّتِکُمْ»؛(۱) «و ای قوم من! از پروردگارتان آمرزش بخواهید؛ سپس به درگاه او توبه کنید [تا] از آسمان بر شما بارش فراوان فرستد و نیرویی بر نیروی شما بیفزاید».

و از زبان پیامبر اسلام صلی الله علیه وآله می فرماید: «وَأَنِ اسْتَغْفِرُوا رَبَّکُمْ ثُمَّ تُوبُوا إِلَیْهِ یُمَتِّعْکُم مَّتاعاً حَسَناً إِلَی أَجَلٍ مُسَمًّی وَیُؤْتِ کُلَّ ذِی فَضْلٍ فَضْلَهُ...»؛(۲) «و اینکه از پروردگارتان آمرزش بخواهید؛ سپس به درگاه او توبه کنید، [تا اینکه شما را تا زمانی معین بهره نیکو بخشد و به هر شایسته نعمتی، از کرم خود عطا کند».

۱۵ – تشکیل مرکزی برای امر به معروف و نهی از منکر

خداوند متعال می فرماید: «وَلَقَدْ أَرْسَلْنا نُوحاً إِلَی قَوْمِهِ إِنِّی لَکُمْ نَذِیرٌ مُّبِینٌ»؛(۳) «ما نوح را به سوی قومش (به رسالت) فرستادیم (او به قومش گفت:) من برای شما بیم دهنده ای آشکارم».

از آیه فوق می توان استفاده کرد که باید مرکزی برای فرستادن آمر به معروف و ناهی از منکر در جامعه تأسیس کرد تا در صورت ضرورت افراد را برای این دو امر خیر بسیج نمود.

۱۶ – از بشارت شروع کردن

خداوند متعال می فرماید: «...فَبَعَثَ اللَّهُ النَّبِیِّینَ مُبَشِّرِینَ وَمُنذِرِینَ»؛(۴)

۱- ۱۲۹. سوره هود، آیه ۵۲.

۲- ۱۳۰. سوره هود، آیه ۳.

۳- ۱۳۱. سوره هود، آیه ۲۵.

۴- ۱۳۲. سوره بقره، آیه ۲۱۳.

«...پس خدا رسولان را بشارت دهنده (نیکوکاران) و ترساننده (بدان) فرستاد».

خداوند متعال در این آیه دعوت انبیا را از بشارت شروع کرده است.

۱۷ – شروع به ترساندن در صورتی که گناه خطیر است

خداوند متعال می فرماید: «وَلَقَدْ أَرْسَلْنا نُوحاً إِلَی قَوْمِهِ إِنِّی لَکُمْ نَذِیرٌ مُّبِینٌ»؛(۱) «ما نوح را به سوی قومش (به رسالت) فرستادیم (او به قومش گفت:) من برای شما بیم دهنده ای آشکارم».

و نیز درباره پیامبر اسلام می فرماید: «...إِنَّما أَنتَ مُنذِرٌ...»؛(۲) «...(ای رسول!) وظیفه تو تنها ترساندن (خلق از نافرمانی خدا) است...».

از آنجا که شرک بزرگ ترین گناه بوده و مایه نابودی تمام اعمال خیر است، لذا باید در برابر آن از انذار شروع کرد.

۱۸ – استفاده از کلمات عاطفی

خداوند متعال درباره حضرت نوح علیه السلام می فرماید: «قالَ یا قَوْمِ أَرَءَیْتُمْ إِن کُنتُ عَلَی بَیِّنَهٍ مِنْ رَبِّی وَآتَانِی رَحْمَهً مِنْ عِندِهِ فَعُمِّیَتْ عَلَیْکُمْ أَنُلْزِمُکُمُوها وَأَنتُمْ لَها کارِهُونَ»؛(۳) «(نوح به قومش) گفت: ای قوم من! چه می گویید اگر از جانب پروردگارم دلیل روشن داشته باشم و مرا از نزد خود رحمتی (مخصوص) عطا کرده باشد که بر شما پوشیده مانده؟ آیا ما شما را در حالی که شما بدان اکراه دارید (و اظهار تنفّر می کنید) به آن اجبار کنیم؟».

۱- ۱۳۳. سوره هود، آیه ۲۵.

۲- ۱۳۴. سوره رعد، آیه ۷.

۳- ۱۳۵. سوره هود، آیه ۲۸.

۱۹ – زیاد امر به معروف و نهی از منکر کردن

خداونـد متعال درباره قوم حضـرت نوح علیه السـلام می فرمایـد: «قالُوا یا نُوحُ قَدْ جادَلْتَنا فَأَکْثَرْتَ جِدالَنا فَأْتِنا بِما تَعِدُنا إِن کُنتَ مِنَ الصّادِقِینَ»؛(۱) «(قومِ نوح) گفتند: ای نوح! تو واقعاً با ما جدال کردی و بسـیار هم جرّ و بحث کردی. اکنون اگر راست می گویی آنچه را به ما وعده دادی، برای ما بیاور».

از آیه اسـتفاده می شود که حضـرت نوح علیه السـلام آنقـدر آنان را نهی از منکر کرده بود که کلافه شده و از او درخواسـت فرود آمدن عذاب نمودند و به او گفتند که زیاد با ما جدال نموده ای.

۲۰ – از کارهای زشت آنان ترشرو نشدن

خداونـد متعـال خطاب به حضـرت نوح علیه السـلام می فرمایـد: «وَأُوحِیَ إِلَی نُوحٍ أَنَّهُ لَن یُؤْمِنَ مِن قَوْمِکَ إِلَّا مَن قَدْ آمَنَ فَلَا تَبْتَئِسْ بِما کانُوا یَفْعَلُونَ»؛(۲) «و به نوح وحی شـد: جز آن عـده که ایمان آورده انـد دیگر هیچ کس (از قومت) ایمان نخواهد آورد و تو از کارهای (کفر و عصیان) این مردم محزون مباش».

۲۱ – فرزند و نزدیکان خود را نیز نصیحت کردن

خداونـد متعال می فرمایـد: «...وَنادَی نُوحٌ ابْنَهُ وَکانَ فِی مَعْزِلٍ یابُنَیَّ ارْکَب مَعَنا وَلَا تَکُن مَعَ الْکافِرِینَ»؛(۳) «نوح (از راه شفقت) فرزندش را که در کناری قرار داشت ندا کرد: ای پسر! تو هم همراه ما (بدین کشتی) در آی و با کافران همراه مباش».

ص:۶۰

۱- ۱۳۶. سوره هود، آیه ۳۲.

۲- ۱۳۷. سوره هود، آیه ۳۶.

۳- ۱۳۸. سوره هود، آیه ۴۲.

۲۲ – هنگام نصیحت فرزند از کلمات خاص عاطفی استفاده کردن

خداوند متعال در قرآن کریم نقل می کند که حضرت نوح علیه السلام به فرزندش هنگام رفتن بر کوه به جهت نجات از غرق شدن فرمود: «یابُنَیَّ ارْکَب مَعَنا»؛(۱) «ای پسرا! تو هم همراه ما (بدین کشتی) در آی».

۲۳ – باید حرکت نمود

خداوند متعال می فرماید: «وَإِلَی عادٍ أَخاهُمْ هُوداً»؛(۲) «(ما) به سوی (قوم) عاد برادرشان هود را فرستادیم».

۲۴ – امر به تعقل نمودن

خداوند متعال می فرماید که هود به قوم خود فرمود: «یاقَوْمِ لَآ أَسْئَلُکُمْ عَلَیْهِ أَجْراً إِنْ أَجْرِیَ إِلَّا عَلَی الَّذِی فَطَرَنِی أَفَلَا تَعْقِلُونَ»؛(۳) «ای قوم من! از شما مزد رسالت نمی خواهم؛ اجر من جز بر عهده خدایی که مرا آفریده است، نیست؛ آیا (فکر و عقل خود را به کار نمی بندید و) نمی فهمید؟».

۲۵ – در کلمات خود خدا را شاهد گرفتن

خداوند متعال از قول حضرت هودعلیه السلام نقل کرده که به قوم خود فرمود: «قالَ إِنِّی أُشْهِدُ اللَّهَ»؛(۴) «گفت: من خدا را گواه می گیرم».

۲۶ – اعلام تبرّی از کردار زشت نمودن

خداوند متعال از قول حضرت هودعلیه السلام نقل می کند که خطاب به قوم

۱– ۱۳۹. سوره هود، آیه ۴۲.

۲– ۱۴۰. سوره هود، آیه ۵۰.

۳– ۱۴۱. سوره هود، آیه ۵۱.

۴– ۱۴۲. سوره هود، آیه ۵۴.

خود فرمود: «...وَاشْهَدُوا أَنِّي بَرِيءٌ مِمّا تُشْرِكُونَ»؛(1) «...و شما هم گواهی دهید که من (از این پس) از خدایانی که غیر خدای یکتا به شرك می پرستید، بیزارم».

۲۷ – با نپذیرفتن نصیحتش به خدا توکل کردن

خداوند متعال از قول حضرت هودعلیه السلام نقل کرده که فرمود: «إِنِّي تَوَكَّلْتُ عَلَى اللَّهِ رَبِّي وَرَبِّكُم...»؛(2) «من بر خدا که پروردگار من و شما است توکّل کرده ام...».

۲۸ – مخاطب را امیدوار کند

خداوند متعال از قول حضرت صالح علیه السلام می فرماید: «... ثُمَّ تُوبُوا إِلَيْهِ إِنَّ رَبِّي قَرِيبٌ مُجِيبٌ»؛(3) «از او آمرزش طلبید، سپس به درگاه او (پناه برید و از گناهانِ خود) توبه کنید؛ البته پروردگار من (به همه نزدیك است و دعاها(ی خلق را می شنود و) اجابت می کند».

و از قول حضرت نوح علیه السلام می فرماید: «اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ إِنَّهُ كانَ غَفّاراً»؛(4) «از (درگاه) پروردگار خود آمرزش طلبید که او بسیار (خدای) آمرزنده است».

۲۹ – ترساندن از عذاب

خداوند متعال درباره خطاب حضرت صالح علیه السلام به قوم خود

۱- ۱۴۳. سوره هود، آیه ۵۴.

۲- ۱۴۴. سوره هود، آیه ۵۶.

۳- ۱۴۵. سوره هود، آیه ۶۱.

۴- ۱۴۶. سوره نوح، آیه ۱۰.

می فرمایـد: «وَیا قَوْمِ هـذِهِ ناقَهُ اللَّهِ لَکَمْ آیَهً فَذَرُوها تَأْکُلْ فِی أَرْضِ اللَّهِ وَلَا تَمَسُّوها بِسُوءٍ فَیَأْخُذَکُمْ عَذَابٌ قَرِیبٌ»؛(۱) «(صالح گفت:) ای قوم من! این نـاقه (آیت) خـدا است و نشـانه ای برای (اتمـام حجّت الهی بر) شـما است؛ او را (به حـال خـود آزاد) بگذارید تا در زمین خدا چرا کند و قصد آزار او مکنید که به زودی عذاب خدا شما را خواهد گرفت».

۳۰ – بزرگی فرد مانع نصیحت کردن او نمی شود

خداوند متعال درباره حضرت ابراهیم علیه السلام می فرماید: «وَاذْکُرْ فِی الْکِتابِ إِبْرَاهِیمَ إِنَّهُ کانَ صِدِّیقاً نَّبِیّاً * إِذْ قالَ لِأَبِیهِ یأَبَتِ لِمَ تَعْبُدُ ما لَا یَسْمَعُ وَلَا یُبْصِرُ وَلَا یُغْنِی عَنکَ شَیْاً»؛(۲) «و در این کتـاب، ابراهیم را یاد کن که او پیغمبری راسـتگو بود. هنگامی کـه بـا پـدر خـود گفت: ای پـدر! چرا چیزی را که نه می شـنود و نه می بینـد و هیـچ حـاجتی از تـو برنمی آورد، پرسـتش می کنی؟».

۳۱ – به برتری علم خود بر مخاطب اشاره کند

حضـرت ابراهیم علیه السـلام به عموی خود می فرمایـد: «یـأَبَتِ إِنِّی قَدْ جَآءَنِی مِنَ الْعِلْمِ مـا لَمْ یَأْتِکَ فَاتَّبِعْنِی أَهْدِکَ صِرَاطاً سَوِیّاً»؛(۳) «ای پدر! مرا علمی آموخته اند که به تو نداده اند؛ پس مرا پیروی کن تا تو رابه راه راست هدایت کنم!».

۳۲ – با نزدیکان از راه دلسوزی وارد شود

حضرت ابراهیم علیه السلام به عموی خود فرمود: «یاأَبَتِ إِنِّی أَخافُ أَن

ص:۶۳

۱– ۱۴۷. سوره هود، آیه ۶۴.

۲– ۱۴۸. سوره مریم، آیه ۴۱ – ۴۲.

۳– ۱۴۹. سوره مریم، آیه ۴۳.

يَمَسَّکَ عَـذَابٌ مِّنَ الرَّحْمنِ فَتَکُونَ لِلشَّيْطـانِ وَلِيّـاً»؛(۱) «ای پـدر! می ترسـم از جـانب خـدای رحمـان بر تـو عـذابی رسـد و تو دوستدار شیطان باشی!».

۳۳ – موضع خود را بعد از نپذیرفتن دعوت جدا کند

خداوند متعال بعد از ذکر قصه حضرت ابراهیم علیه السلام و مناظره او با عمویش آذر از قول حضرت می فرماید: «وَأَعْتَزِلُکُمْ وَما تَدْعُونَ مِن دُونِ اللَّهِ وَأَدْعُوا رَبِّی عَسَـی أَلَّآ أَکُونَ بِدُعَآءِ رَبِّی شَقِیّاً»؛(۲) «من از شـما و بت هایی که به جای خدا می خوانید دوری می کنم و پروردگار خود را می خوانم، امید که چون او را می خوانم (از درگاه لطفش) محروم نگردم».

۳۴ – علت کناره گیری را بیان کند

خداونـد متعال از قول حضـرت ابراهیم علیه السـلام می فرمایـد: «وَأَعْتَزِلُکُمْ وَما تَـدْعُونَ مِن دُونِ اللَّهِ...»؛(۳) «من از شـما و بت هایی که به جای خدا می خوانید دوری می کنم...».

در این آیه به دلیل کناره گیری کردن خود از آنان؛ که همان خواستن از غیر خدا به نحو استقلال است اشاره کرده است.

۳۵ – از نزدیکان شروع شود

خداونـد متعال خطاب به پیامبر اسـلام صـلی الله علیه وآله می فرمایـد: «وَأَنـذِرْ عَشِـیرَتَکَ الْأَقْرَبِینَ»؛(۴) «و خویشـان نزدیکت را بترسان».

۱- ۱۵۰. سوره مریم، آیه ۴۵.

۲- ۱۵۱. سوره مریم، آیه ۴۸.

۳- ۱۵۲. همان.

۴- ۱۵۳. سوره شعراء، آیه ۲۱۴.

و درباره قصه حضرت ابراهیم علیه السلام می فرماید: «إِذْ قالَ لِأَبِیهِ وَقَوْمِهِ...»؛(۱) «هنگامی که به پدرش و قومش گفت...».

۳۶ – به مظاهر فساد با دید استهزا نگریسته شود

خداوند متعال از قول حضرت ابراهیم علیه السلام می فرماید: «إِذْ قالَ لِأَبِیهِ وَقَوْمِهِ ما هـذِهِ التَّماثِیلُ الَّتِی أَنتُمْ لَها عاکِفُونَ»؛(۲) «هنگامی که به پدرش و قومش گفت: این مجسمه ها(ی بی روح و بی اثر) چیست که در خدمتشان معتکفید؟».

۳۷ – بعد از آگاهی مخاطب، سخن خود را ادامه دهد

حضرت ابراهیم علیه السلام بعد از آگاهی قوم خود از اشتباه در پرستش بت ها فرمود: «فَرَجَعُوا إِلَى أَنفُسِهِمْ فَقالُوا إِنَّکُمْ أَنتُمُ الظَّالِمُونَ * ثُمَّ نُکِسُوا عَلَى رُءُوسِهِمْ لَقَدْ عَلِمْتَ ما هَؤُلَآءِ یَنطِقُونَ * قالَ أَفَتَعْبُدُونَ مِن دُونِ اللَّهِ ما لَا یَنفَعُکُمْ شَیْئاً وَلَا یَضُرُّکُمْ * أُفٍّ لَکُمْ وَلِما تَعْبُدُونَ مِن دُونِ اللَّهِ أَفَلَا تَعْقِلُونَ»؛(۳) «آنگاه با خود فکر کردند و گفتند: البته شما ستمکارید. سپس به حیرت سر به زیر شدند و گفتند: «تو خود می دانی که اینان سخن نمی گویند. گفت: آیا به جای خدای یکتا چیزی را می پرستید که نه نفعی به شما می رساند نه زیانی؟ اُف بر شما و بر آنچه به جز خدای یکتا می پرستید! آیا تعقّل نمی کنید؟».

ص:۶۵

۱– ۱۵۴. سوره انبیاء، آیه ۵۲.

۲– ۱۵۵. سوره انبیاء، آیه ۵۲.

۳– ۱۵۶. سوره انبیاء، آیه ۶۴ – ۶۷.

۳۸ – به انحراف های عقیدتی و عملی هر دو اشاره شود

خداونـد متعـال می فرمایـد: «وَإِلَی مَـدْیَنَ أَخـاهُمْ شُـعَیْباً قـالَ یـاقَوْمِ اعْبُـدُوا اللَّهَ مـا لَکُـم مِـنْ إِلـهٍ غَیْرُهُ وَلَـا تَنقُصُـوا الْمِکْیـالَ وَالْمِیزَانَ...»؛(۱) «و مـا به سوی (اهـل) مـدین برادرشان شـعیب را (به رسالت) فرسـتادیم (آن رسول) گفت: ای قوم من! خـدای یکتا را که جز او خدایی برای شما نیست، پرستش کنید و در کیل و وزن کم مکنید...».

۳۹ – اشاره به خیرخواهی خود کند

خداونـد متعـال از قـول حضـرت شـعیب علیه السـلام می فرمایـد که به قوم خود گفت: «...إِنِّی أَرَاکُم بِخَیْرٍ وَإِنِّی أَخـافُ عَلَیْکُمْ عَذَابَ یَوْمٍ مُحِیطٍ»؛(۲) «...من شما را در(خیر و)نعمت می بینم واز روزی که عذابش شما را فراگیرد،بر شما می ترسم».

۴۰ – اشاره به نعمت های خدادادی کند

حضـرت شـعیب علیه السـلام به قوم خود فرمود: «...وَاذْکُرُوا إِذْ کُنتُمْ قَلِیلاً فَکَثَّرَکُمْ...»؛(۳) «...و (ای مسـلمین! شـما هم) به یاد آورید زمانی را که عدّه قلیلی بودید (و دشمنان بسیار، خدا) بر عدّه شما افزود...».

۴۱ – اشاره به اصلاح گری خود کند

ص:۶۶

۱- ۱۵۷. سوره هود، آیه ۸۴.

۲- ۱۵۸. همان.

۳- ۱۵۹. سوره اعراف، آیه ۸۶.

خداونـد متعـال دربـاره حضـرت شـعیب علیه السـلام می فرمایـد: «قالَ یاقَوْمِ أَرَءَیْتُمْ إِن کُنتُ عَلَی بَیِّنَهٍ مِن رَبِّی وَرَزَقَنِی مِنْهُ رِزْقاً حَسَـناً وَما أُرِیدُ أَنْ أُخالِفَکُمْ إِلَی ما أَنْهَاکُمْ عَنْهُ إِنْ أُرِیدُ إِلَّا الْإِصْلاحَ ما اسْتَطَعْتُ...»؛(۱) «(شعیب) گفت: «ای قوم من! رأی شما چیست اگر مرا از جانب پروردگارم حجّتی (روشن و دلیلی قاطع) باشد و او مرا رزقی (حلال و) پاکیزه عطا کرده باشد؟ غرض من این نیست که در چیزی که شـما را از آن نهی می کنم بـا شـما مخـالفت کنم (و خود آن را انجام دهم)؛ بلکه تا بتوانم تنها مقصودم اصلاح (امر) شما است...».

۴۲ – با ظهور استکبار سخن خود را قطع کند

خداونـد متعـال بعـد از آنکه حـالت تمرد و اسـتکبار را در شـیطان مشاهـده کرد؛ آنجا که گفت: «...أَنا خَیْرٌ مِنْهُ خَلَقْتَنِی مِن نارٍ وَخَلَقْتَهُ مِن طِینٍ...»؛(۲) «من از او بهترم؛ مرا از آتش آفریدی و او را از خاک آفریده ای»، فرمود: «...فاهْبِطْ مِنْها فَما یَکُونُ لَکَ أَن تَتَکَبَّرَ فِیهـا فـاخْرُجْ إِنَّکَ مِنَ الصّاغِرِینَ»؛(۳) «از ایـن (مقـام) فرود آی، که تـو را نرسـد در آن بزرگی و نخـوت ورزی؛ پس بیرون شو که تو از (زمره) فرومایگانی».

۱- ۱۶۰. سوره هود، آیه ۸۸.

۲- ۱۶۱. سوره اعراف، آیه ۱۲.

۳- ۱۶۲. سوره اعراف، آیه ۱۳.

مراتب نهی از منکر

امام خمینی رحمه الله می فرماید: «امر به معروف و نهی از منکر مراتبی دارد که با به دست آمدن مقصود از مرتبه پایین تر بلکه با احتمال آن، تعدی به مرتبه دیگر جایز نیست».(۱)

اینک به مراتب آن اشاره می کنیم؛

۱ - انکار قلبی

در حدیثی از امام باقرعلیه السلام آمده است: «... فانکروا بقلوبکم وألفظوا بألسنتکم وصکّوا بها جباههم ولا تخافوا فی اللَّه لومه لائم...»؛(۲) «با قلب هایتان نهی از منکر کرده و به زبان بیاوریـد و در مقابل بدکاران بایستید و در راه خدا از سـرزنش ملامتگر نهراسید».

از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل شـده که فرمود: «من ترک انکار المنکر بقلبه ولسانه ویـده فهو میّت بین الأحیاء»؛(۳) «هرکس انکار منکر را به قلب و زبان و دستش ترک کند، او همانند مرده ای است بین زنده ها».

امام خمینی رحمه الله می فرمایـد: «مرتبه اول: کاری انجام دهـد که نشان دهنده بیزاری قلبی از منکر باشد و با این بیزاری از او می خواهد معروف را انجام دهد و منکر را ترک کند، این بیزاری قلبی درجاتی دارد

۱- ۱۶۳. تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۴۳۷.
۲- ۱۶۴. تهذیب الأحکام، ج ۶، ص ۱۸۰ - ۱۸۱.
۳- ۱۶۵. وسائل الشیعه، باب ۳ از ابواب امر به معروف و نهی از منکر، ح ۴.

مانند چشم از او برداشتن، اخم کردن و رو ترش کردن و یا مانند رو گرداندن یا پشت کردن به او و کناره گیری از او، ترک معاشرت با او و امثال آن».(۱)

۲ – اظهار کراهت و معرفی منکر

خداوند متعال می فرماید: «وَإِلَى مَدْيَنَ أَخاهُمْ شُعَيْباً قالَ ياقَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ ما لَكُم مِنْ إِلهٍ غَيْرُهُ... * وَياقَوْمِ أَوْفُوا الْمِكْيالَ وَالْمِيزَانَ بِالْقِسْطِ وَلَا تَبْخَسُوا النّاسَ أَشْيَآءَهُمْ وَلَا تَعْثَوْا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ»؛(۲) «و ما به سوی (اهل) مدین برادرشان شعیب را (به رسالت) فرستادیم (آن رسول) گفت: «ای قومِ من! خدای یکتا را که جز او خدایی برای شما نیست، پرستش کنید... . ای قومِ من! کیل و وزن را با عدالت، کامل ادا کنید و به مردم چیزهایشان را کم مدهید و در زمین به (خیانت و) فساد برنخیزید».

پیامبرصلی الله علیه وآله بعد از آنکه شنید خالد بن ولید با قوم بنی جذیمه چه کرده، فرمود: «اللّهمّ انّی ابرأ الیک ممّا صنع خالد بن الولید»؛(۳) «بار خدایا! من از آنچه خالد بن ولید انجام داده به سوی تو پناه می برم».

امام خمینی رحمه الله می فرماید: «اگر می داند که مقصود با مرتبه اول حاصل نمی شود، انتقال به مرحله دوم با احتمال تأثیر واجب است».(۴)

۱– ۱۶۶. تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۴۳۷.

۲– ۱۶۷. سوره هود، آیه ۸۴ – ۸۵.

۳– ۱۶۸. السیره النبویه، ابن هشام، ج ۴، ص ۷۲.

۴– ۱۶۹. تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۴۳۸.

۳ – استفاده از موعظه و نصیحت

از امام کاظم علیه السلام نقل شده که فرمود: «یا هشام! ثمّ وعّظ اهل العقل ورغّبهم فی الآخره.. ثمّ خوّف الذین لا یعقلون عذابه»؛(۱) «ای هشام! کسانی را که دارای خرد هستند موعظه کن و آنان را ترغیب به آخرت بنما... آنگاه کسانی را که اهل تعقل نیستند بترسان».

امام خمینی قدس سره در این باره می فرماید: «اگر بداند که انکار و امر و نهی جز با همراهی، خواهش و موعظه، تأثیر ندارد، ظاهر، وجوب انکار به این نحو است».(۲)

و نیز می فرماید: «اگر بداند یا احتمال دهد که امر و نهی او با تکرار اثر می کند، تکرار واجب است».(۳)

و نیز می فرماید: «اگر احتمال دهد مقصود با موعظه و راهنمایی و گفتار نرم حاصل می شود، واجب است و تعدی از آن جایز نیست».(۴)

۴ – رو برتافتن

از امام علی علیه السلام نقل شده که فرمود: «امرنا رسول اللَّه صلی الله علیه وآله ان نلقی اهل المعاصی بوجوه مُکْفَهِرّه»؛(۵) «رسول خداصلی الله علیه وآله ما را دستور داده تا با اهل معصیت با ترشرویی برخورد کنیم».

۱- ۱۷۰. تحف العقول، ص ۲۸۷.

۲- ۱۷۱. تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۴۲۹.

۳- ۱۷۲. همان.

۴- ۱۷۳. همان.

۵- ۱۷۴. کافی، ج ۵، ص ۵۸.

۵ – استفاده از تندی در کلام

خداوند متعال از قول حضرت ابراهیم علیه السلام نقل می کند: «قالَ أَفَتَعْبُدُونَ مِن دُونِ اللَّهِ ما لَا یَنفَعُکُمْ شَیْئاً وَلَا یَضُرُّکُمْ * أُفٍّ لَکُمْ وَلِما تَعْبُدُونَ مِن دُونِ اللَّهِ أَفَلَا تَعْقِلُونَ»؛(۱) «گفت: آیا به جای خدای یکتا چیزی را می پرستید که نه نفعی به شما می رساند نه زیانی؟ اُف بر شما و بر آنچه به جز خدای یکتا می پرستید! آیا تعقّل نمی کنید؟»

پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله وقتی تعلل لشکر اسامه را دید، فرمود: «جهّزوا جیش اسامه، لعن اللّه من تخلف جیش اسامه»؛(۲) «لشکر اسامه را تجهیز کنید، خدا لعنت کند کسی را که از لشکر اسامه تخلف جسته است».

و نیز امام خمینی قدس سره می فرماید: «اگر از بین بردن منکر و برپا داشتن معروف، متوقف بر گفتار خشن و شدت به خرج دادن در امر و تهدید و ترساندن بر مخالفت باشد جایز است؛ بلکه با رعایت دوری از دروغ، واجب است».(۳)

۶ – قطع ارتباط

از امام صادق علیه السلام نقل شده که فرمود: «لو انّکم اذا بلغکم عن الرجل شی ء تمشیتم الیه، فقلتم: یا هذا إمّا ان تعتزلنا وتجتنبنا وامّا ان تکفّ عن هذا، فان فعل و الّا فاجتنبوه»؛(۴) «اگر به شما درباره شخصی خبری رسید باید نزد او

۱– ۱۷۵. سوره انبیاء، آیه ۶۴ – ۶۷.

۲– ۱۷۶. ملل و نحل، شهرستانی، ج ۱، ص ۲۹.

۳– ۱۷۷. همان، ص ۴۳۸ و ۴۳۹.

۴– ۱۷۸. وسائل الشیعه، ج ۱۶، ص ۱۴۹.

رفته و به او بگوييد: اى مرد! يا از ما جدا شده و دور مى شوى و يا آنكه دست از اين كار بر مى دارى؛ اگر دست از عمل زشت خود برداشت كه به رفاقت ادامه مى دهى وگرنه او را رها مى نماييد».

از اين حديث استفاده مى شود كه در صورت گوش ندادن شخص به نصحيت شما، وظيفه جمعى است كه با او قهر كرده و از او دورى كنيم.

۷ - تهديد و ترساندن

خداوند متعال مى فرمايد: «لَئِن لَمْ يَنتَهِ الْمُنافِقُونَ وَالَّذِينَ فِى قُلُوبِهِم مَرَضٌ وَالْمُرْجِفُونَ فِى الْمَدِينَةِ لَنُغْرِيَنَّكَ بِهِمْ ثُمَّ لَا يُجاوِرُونَكَ فِيها إِلَّا قَلِيلًا»؛(۱) «اگر منافقان و آنان كه در دل هايشان مرضى است و آنها كه در مدينه شايعه مى پراكنند، از كار خود دست نكشند، تو را بر آنها برمى انگيزيم و مسلّط مى گردانيم؛ سپس جز اندك زمانى با تو در اين شهر زندگى نتوانند كرد».

حضرت ابراهيم عليه السلام بعد از نپذيرفته نشدن دعوتش فرمود: «وَتاللَّهِ لَأَكِيدَنَّ أَصْنامَكُم بَعْدَ أَن تُوَلُّوا مُدْبِرِينَ»؛(۲) «و به خدا قسم كه بعد از آنكه روى گردانيديد، چاره اين بت هاى شما را خواهم كرد».

۸ - تهديد خود را عملى سازد

خداوند متعال اشاره به عملى شدن تهديد حضرت ابراهيم عليه السلام كرده، مى فرمايد: «فَجَعَلَهُمْ جُذَاذاً إِلَّا كَبِيراً لَهُمْ لَعَلَّهُمْ إِلَيْهِ يَرْجِعُونَ»؛(۳) «آنگاه (به بتخانه رفت و)همه آنها را در هم شكست، جز بزرگ ترشان را،تا به او رجوع كنند».

۱- ۱۷۹. سوره احزاب، آيه ۶۰.

۲- ۱۸۰. سوره انبياء، آيه ۵۷.

۳- ۱۸۱. سوره انبياء، آيه ۵۸.

امام خمینی رحمه الله می فرمایـد: «اگر بدانـد یا اطمینان داشـته باشد که مقصود با دو مرتبه گذشـته حاصل نمی شود، انتقال به مرحله سوم واجب است و مرحله سوم عبارت است از اعمال قدرت با رعایت مراحل مختلف شدت و ضعف».(۱)

البته این مرحله مراتـبی دارد که در موارد شخصـی و خصوصـی آن به اختیـار انسـان بوده و در موارد عمومی و اجتمـاعی بـاید هماهنگ با مسؤولین باشد.

۹ – هدف اصلی هدایت مردم باشد

خداونـد متعال می فرمایـد: «فَجَعَلَهُمْ جُذَاذاً إِلَّا كَبِيراً لَهُمْ لَعَلَّهُمْ إِلَيْهِ يَرْجِعُونَ»؛(۲) «آنگـاه (به بتخـانه رفت و) همه آنها را در هم شکست، جز بزرگ ترشان را، تا به او رجوع کنند».

در این آیه هـدف از عملی شـدن تهدیـد، تشـفی دل و خاطر حضـرت ابراهیم علیه السـلام ذکر نشده؛ بلکه علت آن بازگشـت مردم ذکر شده است.

۱- ۱۸۲. تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۴۴۰.

۲- ۱۸۳. همان.

وجوب کفایی امر به معروف و نهی از منکر

خداوند متعال می فرماید: «وَلْتَكُن مِنكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنكَرِ...»؛(۱) «و باید از شما (مسلمانان) برخی (که دانا و باتقواترند، خلق را) به خیر و صلاح دعوت کنند و (مردم را) به نیکوکاری امر و از بدکاری نهی کنند».

ظاهر آیه آن است که این تکلیف متوجه تمام افراد است که با انجام برخی از عهده دیگران ساقط می گردد.

و نیز ممکن است از آیه فوق چنین استفاده شود که امر به معروف و نهی از منکر کار هر کسی نیست؛ بلکه وظیفه کسی است که دارای شرایط مخصوصی باشد که در جای خود به آن اشاره کردیم.

امام خمینی رحمه الله می فرماید: «اقوی این است که وجوب امر به معروف و نهی از منکر کفایی است، پس اگر افرادی به حدّ کافی به این کار اقدام نمایند از دیگران ساقط خواهد شد و اگر هیچ کس اقدام نکرد، همه آنان با وجود تمام شرایط وجوب، تارک واجب خواهند بود».(۲)

ص:۷۴

۱- ۱۸۴. سوره آل عمران، آیه ۱۰۴.

۲- ۱۸۵. تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۴۲۵.

امر به معروف و نهی از منکر عملی

۱ – امام علی علیه السلام درباره ضرورت جنگ در صفین می فرماید: «... انّ اللّٰه تبارک وتعالی لم یرض من اولیائه ان یعصی فی الأرض وهم سکوت مذعنون، لا یأمرون بالمعروف ولاینهون عن المنکر، فوجدت القتال أهون علیّ من معالجه الأغلال فی جهنم»؛(۱) «... همانا خداوند تبارک و تعالی از دوستانش راضی نمی شود که در روی زمین معصیت او شود؛ در حالی که آنان سکوت کرده و بر اعمال زشت مردم با سکوتشان مهر تأیید بزنند، امر به معروف نکرده و نهی از منکر ننمایند؛ لذا من جنگ را بر خود از علاج غل های جهنم آسان تر یافتم».

۲ – امام حسین علیه السلام درباره فلسفه قیام خود فرمود: «... انّی لم اخرج أشراً ولا بطراً ولا مفسداً ولا ظالماً وانّما خرجت لطلب الاصلاح فی امّه جدی صلی الله علیه وآله، ارید ان آمر بالمعروف وانهی عن المنکر واسیر بسیره جدی وابی علی بن ابی طالب علیه السلام...»؛(۲) «... همانا من به جهت طغیان گری و ایجاد تفرقه بین مسلمین و فساد و ظلم قیام نکردم؛ بلکه برای اصلاح در امّت جدّ خود خروج نمودم، می خواهم امر به معروف و نهی از منکر کرده و به سیره جدّ و پدرم علی بن ابی طالب علیه السلام عمل نمایم».

۳ – و نیز خطاب به لشکر حرّ فرمود: «ایّها الناس! انّ رسول اللّٰه صلی الله علیه وآله قال:

۱- ۱۸۶. وقعه صفین، ص ۴۷۴.

۲- ۱۸۷. بحارالانوار، ج ۴۴، ص ۳۲۸.

من رأی سلطاناً جائراً مستحلاً لحرم اللّه ناکثاً لعهد اللّه مخالفاً لسنّه رسول اللّه صلی الله علیه وآله یعمل فی عباد اللّه بالإثمّ والعدوان، فلم یغیّر ما علیه بفعل ولاقول کان حقاً علی اللّه ان یدخله مدخله»؛(۱) «ای مردم! همانا رسول خداصلی الله علیه وآله فرمود: هر کس سلطان ظالمی را مشاهده کند که حرام الهی را حلال دانسته و عهد الهی را شکسته و با سنّت رسول خداصلی الله علیه وآله مخالفت می نماید و در میان بندگان خدا به گناه و ظلم عمل می کند و با فعل و گفتار وضعیت را تغییر ندهد؛ برخداست که او را در جایگاهش - که همان جهنم است - وارد کند».

چه کنیم که از اهل معروف باشیم

از امام علی علیه السلام نقل شده که به فرزندش محمّد بن حنفیه فرمود: «... وأمر بالمعروف تکن من اهله، فانّ استتمام الأمور عنداللّه تبارك وتعالی الأمر بالمعروف والنهی عن المنکر»؛(۲) «... امر به معروف کن تا از اهل معروف باشی؛ زیرا تمامیت امور نزد خدای تبارك و تعالی به امر به معروف و نهی ازمنکر است».

کسانی که امر به فحشاء و نهی از معروف می کنند

۱ - پیروان شیطان

خداوند متعال می فرماید: «...وَمَن یَتَّبِعْ خُطُواتِ الشَّیْطانِ فَإِنَّهُ یَأْمُرُ بِالْفَحْشَآءِ وَالْمُنکَرِ...»؛(۳) «و هرکس قدم بر جای قدم های شیطان نهاد، (بداند که) او به کار زشت و ناپسند وامی دارد...».

۱- ۱۸۸. الکامل، ابن اثیر، ج ۴، ص ۴۸.

۲- ۱۸۹. من لا یحضره الفقیه، ج ۴، ص ۳۸۷، ح ۸۳۴.

۳- ۱۹۰. سوره نور، آیه ۲۱.

۲ – منافقان

و می فرماید: «الْمُنافِقُونَ وَالْمُنافِقاتُ بَعْضُهُم مِنْ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمُنكَرِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمَعْرُوفِ وَيَقْبِضُونَ أَيْدِيَهُمْ نَسُوا اللَّهَ فَنَسِيَهُمْ إِنَّ الْمُنافِقِينَ هُمُ الْفاسِقُونَ»؛(۱) «مردان و زنان منافق از یکدیگر (و طرفدار یکدیگر)ند؛ (مردم را) به کار ناپسند وامی دارند و از کار نیکو منع می کنند، و دست های خود را (از انفاق) فرو می بندند؛ (چون) خدا را فراموش کردند (خدا نیز) آنها را فراموش کرد، در حقیقت همان منافقانند که (بدترین) زشتکارانند».

راهکار دوری از فحشا و منکرها

از قرآن استفاده می شود که نماز، انسان را از منکرها باز می دارد؛ زیرا نماز کامل که فلسفه آن یاد خداست انسان را از راه دل به خوبی ها مرتبط می سازد و کسی که دلش به خوبی ها محکم شود هرگز به سراغ بدی ها نمی رود.

خداوند متعال می فرماید: «...إِنَّ الصَّلَواةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَآءِ وَالْمُنكَرِ...»؛(۲) «...همانا نماز (اهل نماز را) از زشتی ها و منکر باز می دارد...».

ص:۷۷

۱– ۱۹۱. سوره توبه، آیه ۶۷.

۲– ۱۹۲. سوره عنکبوت، آیه ۴۵.

چند فتوا از امام خمینی رحمه الله

۱ - وجوب توصّلی در امر و نهی

ایشان می فرماید: «در امر به معروف و نهی از منکر قصد قربت و اخلاص معتبر نیست؛ بلکه این دو، واجب توصّلی هستند که برای قطع فساد و اقامه فرایض تشریع شده اند، ولی اگر قصد قربت کند اجر معنوی خواهد داشت و بر آن دو پاداش خواهد بود».(۱)

۲ - وجوب نهی در برابر هر گناه

ایشان می فرماید: «فرقی بین گناه کبیره و صغیره در وجوب نهی از آن نیست».(۲)

۳ - مولویت امر و نهی در این باب

ایشان می فرماید: «امر و نهی در این باب مولوی است؛ هر چند آمر و ناهی در درجه پایین باشند».(۳)

۴ - جهل به حکم از سوی فاعل

ایشان می فرماید: «اگر مسئله مورد اختلاف نباشد و احتمال داده

۱- ۱۹۳. تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۴۲۷.

۲- ۱۹۴. همان.

۳- ۱۹۵. همان، ص ۴۲۶.

شود که انجام دهنده کار به حکم آن آگاهی ندارد، ظاهر آن است که امر و نهی واجب است بویژه اگر جاهل مقصر باشد و احتیاط آن است که ابتدا او را نسبت به حکم آگاه کند و پس از آن اگر اصرار ورزید مورد انکار قرار دهد، بخصوص اگر جاهل قاصر باشد».(۱)

۵ - امر و نهی در موارد احتیاط

ایشان می فرماید: «اگر آنچه را مرتکب شده مخالف با احتیاط لازم باشد، احتیاط آن است که او را انکار نماید؛ بلکه وجوب انکار بعید نیست».(۲)

۶ - حکم احتمال تأثیر علنی

ایشان می فرماید: «اگر بداند یا احتمال دهد انکار در حضور مردم نه در تنهایی، مؤثر است، پس اگر مرتکب منکر، آشکارا اقدام به چنین عملی کرده باشد انکار در حضور مردم جایز و واجب است».(۳)

۷ - حکم احتمال تأثیر در آینده

ایشان می فرماید: «اگر بداند که انکار او در زمان حاضر بی تأثیر است، ولی بداند یا احتمال دهد که امر الآن نسبت به آینده مؤثر است، امر و نهی واجب است».(۴)

۱- ۱۹۶. همان، ص ۴۲۸.

۲- ۱۹۷. همان.

۳- ۱۹۸. همان، ص ۴۲۹.

۴- ۱۹۹. همان، ص ۴۳.

۸ – حکم احتمال تأثیر در شخص سوم

ایشان می فرماید: «اگر بداند امر و نهی او نسبت به مرتکب حرام و یا تارک واجب مؤثر نیست ولی نسبت به دیگری اثر دارد اگر خطاب خود را متوجه او نکند، در این صورت واجب است خطاب را به انگیزه تأثیر در نفر دوم متوجه شخص اول کند».(۱)

۹ – امر به دیگری برای امر و نهی

ایشان می فرماید: «اگر بداند که امر فرد خاصی در او مؤثر است و امر خود او اثر ندارد، واجب است به آن شخص امر کند تا او را امر به معروف و نهی از منکر کند؛ البته اگر شرایط برای شخص دوم فراهم باشد».(۲)

۱۰ – تأثیر نهی در جلوگیری

ایشان می فرماید: «اگر بداند که شخصی تصمیم به ارتکاب حرام دارد و احتمال می دهد نهی او در وی تأثیر داشته باشد، نهی واجب است».(۳)

۱۱ – وجوب امر و نهی و احتمال کم شدن معصیت

ایشان می فرماید: «اگر بداند یا احتمال دهد امر و نهی در کم کردن معصیت نه از بین بردن آن مؤثر است، امر و نهی واجب است».(۴)

۱۲ – وجوب نهی در صورت وجود قدرت در آینده

ایشان می فرماید: «اگر الآن از انجام حرام ناتوان است، ولی تصمیم

۱- ۲۰۰. همان.

۲- ۲۰۱. همان.

۳- ۲۰۲. همان.

۴- ۲۰۳. همان.

دارد در صورت پیدا شدن توانایی انجام دهد، در این حالت اگر هر چند از راه معتبر بداند که قدرت بر انجام گناه پیدا خواهد کرد، ظاهر وجوب انکار است».(۱)

۱۳ – امر و نهی به صورت اجمال

ایشان می فرمایـد: «اگر بدانـد که شخصـی، حرامی را انجام داده یا واجبی را ترک کرده ولی مشـخصاً نمی داند، انکار به نحو ابهـام واجب است. و اگر می دانـد واجبی را ترک می کنـد یـا حرامی را انجـام می دهـد، امر و نهی به صورت اجمـال یا ابهام واجب است».(۲)

۱– ۲۰۴. همان، ص ۴۳۲.

۲– ۲۰۵. همان، ص ۴۳۲ و ۴۳۳.

پاسخ به شبهات

اشاره

در مورد امر به معروف و نهی از منکر شبهات و اشکال هایی مطرح شده که به یکایک آنها پرداخته و پاسخ می دهیم:

شبهه اوّل

برخی می گویند: «بر ما واجب است که مردم را به حال خود رها نماییم و در شؤون خصوصی آنها با امر به معروفی که رغبت به انجام آن نداشته و نهی از منکری که میل به انجام آن دارند، دخالت نکنیم؛ زیرا این کار با آزادی شخصی مردم که در اسلام ثابت شده سازگاری ندارد.

آنان بر صحت مدعای خود به این آیه تمسک کرده اند که خداوند متعال می فرماید: «لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِ ...»؛(1) «در (کار) دین هیچ اجباری نیست و راه (هدایت) از بیراهه (ضلالت) روشن گردید...».

پاسخ

اوّلاً: دعوت مردم به طور صحیح و معقول به انجام معروف و ترک منکر نه تنها با آزادی افراد ناسازگار نیست، بلکه عقل انسانی آن را تأیید کرده و عقلایی به نظر می رسد؛ زیرا اگر انسان مشاهده کند فردی نزدیک است که در چاه افتاده و هلاک شود، اگر او را به طور صحیح

۱- ۲۰۶. سوره بقره، آیه ۲۵۶.

و حتی با شدت معقول هدایت و راهنمایی نکند نزد عقلا مذمت و سرزنش خواهد شد و عقل سلیم در چنین موردی حکم می کند که انسان عالم افراد جاهل را به سوی هدایت راهنمایی کرده و با امر به معروف و نهی از منکر مردم را از جهنم نجات دهد.

ثانیاً: همان گونه که در جای خود به اثبات رسیده، غایت و هدف انسان قرب به خداست نه فرو رفتن در منکرها و بدون شک، آزادی انسان نیز باید در این راستا قرار گیرد تا تأمین کننده هدف او باشد. و لذا می توان گفت که از دیدگاه اسلام، آزادی وسیله ای است برای دستیابی انسان به کمال، بر خلاف مکاتب بشری که آزادی را یک هدف به شمار می آورند.

آری، بدون شک، مسئله سعادت و کمال فرد به اختیار و انتخاب او وابسته است، ولی انسان نمی تواند به نام آزادی انتخاب، مزاحم آزادی سایر افراد جامعه و کمال اجتماع گردد و احیاناً به کمال جامعه آسیبی برساند. این مسئله ای است که نه تنها اسلام، بلکه مکاتب بشری نیز بر آن تأکید می ورزند و می دانیم افرادی که در جامعه به صورت علنی منکرها را انجام می دهند، با ایجاد ناهنجاری ها و حرمت شکنی ها، جامعه را به فساد و تباهی می کشانند.

«جان رالز» در این باره می گوید: «محدودیت آزادی در ارتباط با

ص:۸۳

منافع عمومی جایز است؛ به عبارت دیگر، از آنجا که اجرای اصل منفعت عمومی؛ یعنی بهره مندی جامعه از حداقل استاندارد امکانات زندگی، شرط لازم اعمال و ارتقای آزادی است، به منظور نیل به این اصل می توان آزادی را محدود نمود».(۱)

بدین ترتیب، کمال فرد و آزادی آن در رسیدن به کمالش تا آنجا محترم شمرده می شود که به کمال جامعه آسیب نرساند؛ از این رو یکی از وظایف دولت و حاکمیت، آن است که هم از آزادی فردی دفاع کند و هم از حریم آزادی اجتماعی و کمال جامعه محافظت نماید. در اسلام آزادی ارزش ذاتی ندارد، بلکه ارزش آن به هدف و مقصد آن است، اگر آزادی در مسیر سعادت انسان قرار گرفته و باعث تعالی فرهنگی و آموزشی و پرورشی جامعه باشد کاملاً ارزشمند می باشد و در غیر این صورت بی ارزش و یا احیاناً ضد ارزش خواهد بود.

استاد شهید مطهری رحمه الله در این باره می فرماید: «بشر اروپایی برای آزادی ارزش فوق العاده ای قائل است و حتی آن را لایق پرستش می داند؛ در حالی که اگر ارزش واقعی آزادی را در نظر بگیریم، نسبت به سایر عوامل سعادت، آزادی عامل نفی موانع از مسیر سعادت است و ارزش عوامل مثبت چون فرهنگ و تعلیم و تربیت مهم تر است.

۱- ۲۰۷. عدالت و آزادی، سیّد علی محمودی، ص ۱۲۹ به نقل از او.

آزادی، ایده آل انسان نیست، شرط است. عقیده ما در باب ریشه احترام آزادی همان حیثیت ذاتی انسان است؛ ولی این حیثیت ذاتی از آن جهت مبنای لزوم احترام است که ناموس غایی خلقت، یعنی حقّ ایجاب می کند و منشأ حقّ، نظام غایی وجود است. از نظر ما، فلسفه اروپایی از لحاظ بیان فلسفه و منشأ آزادی و همچنین از لحاظ بیان علت لزوم احترام آزادی عقیم است؛ زیرا قادر نیست حیثیت ذاتی بشر را آن طور که سبب گردد برای همه لازم الاحترام باشد توجیه کند و نتیجه آن را ذکر نماید».(۱)

حقّ این است که آزادی تکوینی و آزادی اجتماعی هر کدام فلسفه و حکمت خاص خود را دارند. انسان تکویناً آزاد خلق شده تا به کمال مطلوب خود برسد؛ امّا از آنجا که او مختار است که از این آزادی در راه کمال و یا زوال خود بهره گیرد، بنابراین حقّ ندارد از این آزادی برای سقوط جامعه استفاده کند؛ چون اهداف هر جامعه ای حدّ آزادی انسان در آن را تعریف می کند.

ثالثاً: آیه مورد نظر، اکراه و اجبار در عقیده را نفی می کند؛ زیرا اعتقاد و ایمان از امور قلبی است که اکراه و اجبارپذیر نیست و جمله «لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ» جمله ای است خبری که خداوند بعد از آن، جمله «قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِ» را آورده است، جمله ای که در مقام تعلیل بر جمله اوّل

۱- ۲۰۸. سلسله یادداشت های استاد شهید مطهری، ص ۶۳.

است، به این معنا که بعد از روشن شدن راه و انکشاف حقّ، حاجتی به اکراه در عقیده نیست. و لذا در آیه های دیگر به وجوب امر به معروف و نهی از منکر تصریح شده است و نیز در مبحث حدود و تعزیرها به طور گسترده سخن از اجرای حدود شرعی به جهت جلوگیری از تکرار منکرات در جامعه شده است که این دستورها همگی مصداق بارز امر به معروف و نهی از منکر است.

شبهه دوم

برخی می گویند: «از آیات قرآن استفاده می شود ما وظیفه داریم تنها به فکر خود بوده و درصدد تهذیب نفس خودمان باشیم و نسبت به گمراهی دیگران وظیفه ای نداریم؛ زیرا خداوند متعال می فرماید: «یا أَیُّها الَّذِینَ آمَنُوا عَلَیْکُمْ أَنفُسَکُمْ لَا یَضُرُّکُم مَن ضَلَّ إِذَا اهْتَدَیْتُمْ...»؛(۱) «ای اهل ایمان! (ایمان) خود را محکم نگه دارید؛ اگر شما به راه هدایت باشید، آنکه گمراه شده است زیانی (از کفر او) به شما نخواهد رسید...».

پاسخ:

اوّلاً: ظاهری را که مخالفان از این آیه فهمیده اند با نصوص ها وجوب امر به معروف و نهی از منکر مخالفت دارد و لذا باید آیه را از ظهور آن منصرف ساخت تا با آیه های دیگر منافات نداشته باشد.

ثانیاً: خداوند متعال در این آیه نرسیدن ضرر به

۱- ۲۰۹. سوره مائده، آیه ۱۰۵.

سبب گمراهی دیگران را مشروط به هدایت انسان کرده است و می دانیم که انسان به هدایت کامل نمی رسد مگر در صورتی که به تمام وظایف و تکالیفش که از آن جمله امر به معروف و نهی از منکر است عمل کرده باشد.

ثالثاً: جمله «عَلَيْكُمْ أَنفُسَكُمْ» که در آیه آمده، دلالت بر اهتمام به امر به معروف و نهی از منکر دارد؛ زیرا از موارد اهتمام به خود، اهمیت دادن به وظایف شرعی است که یکی از آنها امر به معروف و نهی از منکر است.

علامه طباطبایی رحمه الله در تفسیر این آیه می فرماید: «انّ الآیه لاتنافی آیات الدعوه وآیات الأمر بالمعروف والنهی عن المنکر؛ فانّ الآیه انّما تنهی المؤمنین عن الاشتغال بضلال الناس عن اهتداء انفسهم واهلاک انفسهم فی سبیل انقاذ غیرهم وانجائه. علی انّ الدعوه الی اللّه والأمر بالمعروف والنهی عن المنکر من شؤون اشتغال المؤمن بنفسه وسلوکه سبیل ربّه...»؛(1) «این آیه با آیه های دعوت و آیه های امر به معروف و نهی از منکر منافات ندارد؛ زیرا این آیه مؤمنان را از اشتغال به هدایت مردم از ضلالت و فراموش کردن هدایت خود و نیز هلاک کردن خود در راه نجات دیگران، نهی می کند. علاوه اینکه دعوت به سوی خدا و امر به معروف و نهی از منکر از شؤون اشتغال مؤمن به خود و پیمودن راه پروردگارش می باشد».

ص:87

1- 210. المیزان، ج 6، ص 164.

قاضی بیضاوی می گوید: «شأن نزول آیه آنجایی است که مؤمنان بر کفر کافران بعد از دعوت به اسلام حسرت می خورده و آرزوی ایمان آنان را داشتند».(۱)

از سعید بن مسیب در تفسیر آیه فوق نقل شده که می گفت: «إذا امرت بالمعروف ونهیت عن المنكر، لايضرّك من ضلّ اذا اهتديت»؛(۲) «هرگاه که امر به معروف و نهی از منکر نمودی و از این طریق هدایت یافتی، گمراهی شخص گمراه به تو ضرری نمی رساند».

شبهه سوم

برخی می گویند: «چون ما خودمان معروف را به تمامه انجام نداده و از منکر اجتناب نمی کنیم لذا بر ما واجب است که به تربیت خود همت کرده و کاری به مردم با امر به معروف و نهی از منکر نداشته باشیم، خصوصاً آنکه خداوند متعال افرادی را که با فراموش کردن خود، دیگران را نصیحت می کنند مذمت کرده است؛ آنجا که می فرماید: «ياأَيُّها الَّذِينَ آمَنُوا لِمَ تَقُولُونَ ما لَا تَفْعَلُونَ * كَبُرَ مَقْتاً عِندَ اللَّهِ أَن تَقُولُوا ما لَا تَفْعَلُونَ»؛(۳) «ای کسانی که (به زبان) ایمان آورده اید! چرا چیزی به زبان می گویید که (در مقام عمل) انجام نمی دهید؟! (بترسید از) اینکه سخنی بگویید و به آن عمل نکنید! بسیار موجب خشم و غضب خدا است».

و نیز می فرماید: «أَتَأْمُرُونَ النّاسَ بِالْبِرِّ وَتَنسَوْنَ أَنفُسَكُمْ وَأَنتُمْ تَتْلُونَ

ص:۸۸

۱- ۲۱۱. انوار التنزیل، ج ۱، ص ۲۹۵.

۲- ۲۱۲. تفسیر طبری، ج ۱۱، ص ۱۴۸.

۳- ۲۱۳. سوره صف، آیه ۲ - ۳.

الْکِتابَ أَفَلا تَعْقِلُونَ»؛(۱) «چگونه شما مردم را به نیکوکاری دستور می دهید و خود را فراموش می کنید و حال آنکه کتاب خدا را می خوانید، چرا (در آن) تعقّل نمی کنید (تا گفتار نیک را به مقام کردار آرید؟».

پاسخ:

اوّلاً: این آیه ها درصدد مذمت کسی نیست که امر به معروف و نهی از منکر را انجام می دهد، بلکه کسی را مذمت می کند که معروف را ترک کرده و منکر را انجام می دهد. و به عبارت دیگر، آیه کسی را مذمت می کند که خودش را فراموش کرده و مطابق گفتارش عمل نمی کند.

ثانیاً: هر مکلفی دو تکلیف دارد؛ یکی عمل به معروف و ترک منکر و دیگری امر به معروف و نهی از منکر و ترک یکی از دو واجب توجیه کننده ترک واجب دیگر نیست.

ثالثاً: شکی نیست که دعوت کامل با عمل به معروف و ترک منکر در نفوس مردم تأثیر بیشتر دارد، ولی دعوت غیر کامل هم بی تأثیر نخواهد بود.

آری نباید به گونه ای باشد که خودش اصلاً عامل به معروف نباشد و فقط امر و نهی کند.

شبهه چهارم

برخی می گویند: «امر به معروف و نهی از منکر انجام نمی دهیم؛ زیرا از ایجاد فتنه و درگیری می ترسیم».

۱- ۲۱۴. سوره بقره، آیه ۴۴.

پاسخ:

اوّلاً: موارد امر به معروف و نهی از منکر فرق می کند، در برخی از موارد باید مردم را بیدار نمود گرچه خوف فتنه و ایجاد تشنج و درگیری باشد و این در مواردی است که مصلحت اهم در میان باشد.

ثانیاً: از بس که امر به معروف و نهی از منکر انجام نگرفته لذا این سنّت برداشته شده و برخی می ترسند تا به آن عمل نمایند در حالی که اگر این تکلیف عمومی شود کسی جرأت تعرض به عموم مردم پیدا نمی کند.

ثالثاً: اگر با احترام و دقت و ... باشد هیچ احتمال خطری هم نیست.

شبهه پنجم

برخی می گویند: «ما تلاش و کوشش و وقت خود را صرف امر به معروف و نهی از منکر نمی کنیم؛ زیرا مردم گوش به حرف ما نمی دهند و برای این حرف ها ارزشی قائل نمی شوند».

پاسخ:

اوّلاً: گرچه یکی از شرایط وجوب امر به معروف و نهی از منکر احتمال تأثیر است ولی تنها اثر این تکلیف عمل دیگران به معروف و ترک منکر نیست؛ بلکه گاهی به جهت اتمام حجت باید حقایق برای مردم روشن شود.

و لـذا در آیـات قرآن وظیفه پیـامبران را ابلاـغ ذکر کرده است؛ آنجـا که می فرمایـد: «...فَهَلْ عَلَى الرُّسُلِ إِلَّا الْبَلاغُ الْمُبِينُ»؛(۱) «ولی آیا جز تبلیغ رسالت بر رسولان وظیفه ای است؟».

و نیز می فرمایـد: «فَذَكِّرْ إِنَّما أَنتَ مُذَكِّرٌ * لَسْتَ عَلَيْهِم بِمُصَيْطِرٍ»؛(۲) «پس (ای رسـول!) تـو خلـق را متـذکّر سـاز که وظیفه پیغمبری تو غیر از این نیست! و تو تسلّط بر آنان نداری».

و لـذا مشاهـده می کنیـم کـه صالحـان از اصـحاب سبت مرتب درصـدد نصیحت قـوم خـود برآمـده و به سـبب عـدم اجـابت دسـتورهای آنان، دست از امر به معروف و نهی از منکر برنمی داشتند تا نزد خدا معذور بوده و شاید قوم خود را اصلاح کنند؛ لـذا خداونـد متعال درباره آنان می فرماید: «وَإِذْ قالَتْ أُمَّةٌ مِنْهُمْ لِمَ تَعِظُونَ قَوْماً اللَّهُ مُهْلِكُهُمْ أَوْ مُعَذِّبُهُمْ عَذَاباً شَدِيداً قالُوا مَعْذِرَةً إِلَى رَبِّكُمْ وَلَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ»؛(۳) «و چون جمعی از آن گروه گفتند: چرا قومی را که از جانب خدا به هلاکت می رسند، یا آنها را به عذابی سخت گرفتار خواهد کرد، موعظه می کنید؟ (ناصحان) گفتند: تا (پند ما) معذرتی نزد پروردگارتان باشد و شاید که (پند ما اثر کند و آنها) تقوا پیشه کنند».

ثانیاً: اینکه حرف ها و نصیحت های ما بی تأثیر شده و مردم توجهی به آنها ندارند، عوامل و جهاتی دارد که یکی از آنها عمل نکردن خود ما

۱- ۲۱۵. سوره نحل، آیه ۳۵.

۲- ۲۱۶. سوره غاشیه، آیه ۲۱ - ۲۲.

۳- ۲۱۷. سوره اعراف، آیه ۱۶۴.

نسبت به دستورهای شرع است و دیگر اینکه از بس به مردم نگفتیم، مردم نیز به این حرف ها توجهی ندارند و لذا اگر به مقدار کفایت امر به معروف و نهی از منکر کنیم قطعاً تأثیر داشته و مردم به نصیحت ها گوش فرا می دهند.

ثالثاً: ما و شما که علم غیب نداریم، از کجا می دانیم که تأثیر نمی کند و مردم گوش فرا نمی دهند؟ شاید اگر با شرایط آن و با اخلاق خوش به مردم بگوییم تأثیر داشته باشد؛ مگر نمی دانیم که مقلّب القلوب خداست و گفتن ما وسیله است، شاید خداوند با گفتن ما در دل آنان تأثیر بگذارد.

شهید مطهری رحمه الله می فرماید: «در اینجا یک اشتباه بزرگ برای بعضی پیدا شده است و آن اینکه ممکن است کسی بگوید: من که قدرت ندارم فلان کار را انجام بدهم، اسلام هم که گفته اگر قدرت نداری نکن، پس دیگر خیالم راحت است. دیگری می گوید: اسلام گفته است امر به معروف و نهی از منکر در وقتی است که در آن احتمال نتیجه دادن باشد؛ من احتمال نمی دهم، پس خیالم راحت است؛ این اشتباه است.

این احتمال غیر از احتمالی است که شما در باب طهارت و نجاست می دهید؛ من نمی دانم فلان چیز پاک است یا نجس، می گوید آیا احتمال می دهی که پاک است؟ بله، احتمال می دهم. بگو پاک است... امّا اینجا که

می گوید احتمال، نه معنایش این است که برو در خانه ات بنشین، بعد بگو من احتمال اثر می دهم، احتمال اثر نمی دهم. اینکه پاکی و نجسی نیست، در این مورد باید بروی کوشش کنی، حداکثر تحقیق را بکنی تا ببینی و بفهمی که آیا به نتیجه می رسی یا نمی رسی. کسی که بی اطلاع است و دنبال تحقیق هم نمی رود تا بفهمد از این امر به معروف و نهی از منکرش به نتیجه می رسد یا نمی رسد، چنین عذری را ندارد. یا آن دیگری می گوید: آقا! من که قدرت ندارم. اسلام هم می گوید بسیار خوب، ولی برو قدرت را به دست بیاور. این، شرط وجود است نه شرط وجوب؛ یعنی گفته اند تا ناتوانی دست به کاری نزن که به نتیجه نمی رسی، ولی برو توانایی را به دست آور تا بتوانی به نتیجه برسی».(1)

۱- ۲۱۸. حماسه حسینی، ص ۳۰۵ و ۳۰۶.

منابع و مآخذ

قرآن

نهج البلاغه

الترغیب والترهیب

السیره النبویه، ابن هشام

الفردوس بمأثور الخطاب

الکامل، ابن اثیر

تفسیر المیزان، علامه طباطبایی

انوار التنزیل

بحارالانوار، علامه مجلسی.

تاریخ طبری،

تحف العقول،

تصنیف غرر الحکم،

تصنیف نهج البلاغه،

تفسیر طبری،

تهذیب الاحکام،

جعفریات،

جواهر الکلام،

خصال، صدوق،

سلسله یادداشت های استاد مطهری

شرح ابن ابی الحدید

عدالت و آزادی، سیّد علی محمودی

غرر الحکم

اصول کافی، کلینی محمّد بن یعقوب

کنز العمال، حسام الدین هندی

لسان العرب، ابن منظور

مجمع البیان، طبرسی

مجمع الزوائد، ابن حجر هیثمی

محاسن برقی، محمّد بن خالد برقی

مسند احمد، احمد بن حنبل

معانی الأخبار، بابویه قمی

مفردات الفاظ القرآن

مکارم الاخلاق، حسن طبرسی

ملل و نحل، شهرستانی

من لا یحضره الفقیه، شیخ صدوق

وسائل الشیعه، حرّ عاملی

وقعه صفین

جامع احادیث الشیعه

ص:۹۴

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ یَسْتَوِی الَّذِینَ یَعْلَمُونَ وَالَّذِینَ لَا یَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ .ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که مـا را در دستیـابی به این هـدف یـاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادنـد تقـدیر و تشـکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصـفهان -خیابان عبـدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شـهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات رایانه‌ای
قائمیه
اصفهان
www
برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹